

# اعمار صلح محلی در افغانستان

قضیه‌ی برای یک استراتژی ملی

مت والدون  
آکسفام بین المللی

گزارش  
تحقیق  
آکسفام



تائید - 3

خلاصه 4

اقدامات دولت و جامعه جهانی در نا امنی ها 6

منازعه و نامنی 8

اعمار صلح 16

اعمار صلح محلی در عمل 17

بسوی یک استراتیژی ملی 21

چالش ها 25

اختتام 27

ضمیمه: سروی امنیتی آکسفام 27

توضیح مراجع 29

یاد داشت ها 31

## تأیید

15 سازمان افغانی ذیل، که در کار اعمار صلح در افغانستان فعال هستند این گزارش را تأیید نموده اند:

- اتحادیه سراسری زنان افغان (AAWU)
- انجمن انکشافی افغانستان (ADA)
- انجمن دفاع از حقوق زنان بلخ (ADWRB)
- مرکز آموزشی حقوق بشر برای زنان افغان (THRA)
- بنیاد انکشافی سنایی (SDO)
- دفتر ارتباط اقوام (TLO)
- انجمن همکاری برای صلح و همبستگی (CPAU)
- سازمان حقوق بشر و حفظ محیط زیست افغانستان (AHOREP)
- موسسه تشویق صلح و دیموکراسی (APDA)
- مجتمع جامعه مدنی افغانستان (ACSF)
- مرکز تعلیمی زنان افغان (AWEC)
- مرکز رشد استعداد های زنان افغان (AWSDC)
- مرکز تعاون افغانستان (CCA)
- مرکز آموزشی و تربیوی زنان و دختران بی بضاعت افغانستان (ECW)
- سازمان هماهنگی کمک ها (CoAR)

## خلاصه

معیار های موجود برای رشد صلح در افغانستان موفق نیستند. علت این تنها از مخالفت طالبان با روند صلح نیست بلکه کار و جهد کمی بخاطر همزیستی مسالمت آمیز بین خانواده ها، محلات، قبایل - و بین بخش های بنیاد گرایي جامعه افغانی صورت گرفته است. جنگ ساختار های اجتماعی کشور را از بین برده لهذا، از اثر فقر شدید، منازعات محلی می تواند باعث خشونت شود و به منازعه بزرگتر مبدل گردد. لیکن هیچ استراتژی مؤثر بخاطر کمک به افغانها برای اینکه بتوانند منازعات شان را بطور مسالمت آمیز حل نمایند وجود ندارد. ماهیت، عوامل و تأثیر نا امنی در افغانستان فرق دارد، مؤثرترین وسیله ای که بتواند موضوع نا امنی را حل نماید مختلف است. اکثراً یک سلسله کار به درجه های مختلف، مثل تقویت حاکمیت قانون، ساختن نیروی مسلکی امنیتی، کاهش دادن فقر، و یا هم توتوسعه حکومتداری ضرورت است صورت گیرد.

اعمار صلح یکی از مهمترین وسیله ای برای حل مشکل نا امنی است که تا به حال تقریباً بیشتر کار اعمار صلح در افغانستان در یک سطح سیاسی قرار گرفته است، و بیشتر با جنگ سالاری، فساد و جنایتکاران ارتباط داشته. و در محدودیت برنامه های مثل خلع سلاح صورت گرفته است، سایر ابتکارات مثل: تهیه پلان کاری برای صلح، عدالت، مصالحه و ایجاد کمیسیون صلح مهم بوده، لیکن عدم وضاحت و نگرانی های ابتدایی در باره صلح و مصالحه در سطح ملی بوده است.

با امکانات کافی و حمایت سیاسی این ابتکارات برای رشد امنیت مؤثر است و لیکن این فعالیت تنها غیر مستقیم و قسماً به مردم افغانستان ربط میگیرد، تقویت ظرفیت جامعه های افغانی که بتواند منازعه های خود شان را حل نمایند و صلح پایدار را بوجود بیاورند، کاملاً فراموش شده است.

نا امنی های اخیر بویژه در جنوب و جنوب شرق افغانستان متأثر از روش های از سطح بالا به پائین است که ناکافی است. کار های غیر متوازن ملی در سطح پائین جامعه اکثراً سبب نا امنی های محلی بوده.

دهات جنگ نه تنها وحدت اجتماعی را در سطح محلات متأثر ساخته همچنان باعث تشدید افزایش فقر گردیده که خود سبب نا امنی هاست. نزدیک به 20 سال تجربه آکسفام در افغانستان، مصاحبه با صاحب نظران اعمار صلح و سروی اخیر که توسط آکسفام با 500 نفر در شش ولایت انجام شده نشان میدهد که بیشتر منازعات در سطح محلات مغلق است، لیکن زیاد تر بالای منابع ربط دارد مشخصاً زمین و آب. به درجه کمتر، عوامل منازعات همچنان به خانواده ها، زنان، نژاد، قوم و فرق های اجتماعی ربط میگیرد که تمام اینها متاثر از فاکتور های مثل آفت های طبیعی، عودت زیاد مهاجرین، توزیع نادرست کمک ها، فساد، سوء استفاده از قدرت و تجارت تریاک است.

در چندین قضیه، منازعه های محلی اکثراً باعث نا امنی ودهشت گردید در حالیکه قوت و اهمیت ارتباطات خانواده گی و قومی می تواند منبع ای برای ثبات باشد، و بیان همچنان می تواند به به زودی باعث خشونت گردد. که در نتیجه نه تنها کیفیت زنده گی را از بین میبرد، بلکه کار پیشرفت را همچنان معطل میسازد، ولیکن قوماندانان و گروپ های مخالف دولت برای تقویت موقف آینده شان از وضعیت بهره برداری میکنند. همچنان تحدید ها بالای امنیت محلات تأثیر دارد: اینگونه تحدید ها نظر به محلات مختلف فرق دارند، تنها طالبان تحدید نیستند طوریکه بعضی اوقات در رسانه به تصویر کشیده می شود، همچنان جنگ سالاران، جنایت کاران و نیرو های ملی و بین المللی همچنان منحيث یک عامل تحدید مشاهده شده است..

سروی آکسفام نشان میدهد که میکانیزم های محلی نقش عمده در حل منازعات و مشکلات محلی داشته است. میکانیزم های رسمی که اکثراً مورد استفاده قرار گرفته است مشخصاً پولیس و ولسوال ها در کار های عاجل بوده، در حالیکه در محاکم مراجعه به طور مقایسوی کم است. میکانیزم های که برای حل منازعات استفاده می شود نظر به نوع و عوامل منازعه فرق می کند. لیکن، پسندیده ترین میکانیزم برای حل منازعات مخصوصاً در دهات، مردم محل و یا شورای قومی بزرگان است (جرگه و یا شورا)

اعمار صلح محلی یک نیاز مبرم و مهم است که تا به حال در سایر کشور های در حال انکشاف بسیار به موفقیت تطبیق شده است. (بطور مثال، برنامه پایدار اعمار صلح آکسفام در کنیا توانست برای ثبات صلح برای چندین

سال کمک نماید و توانست خشونت که به تعقیب انتخابات به وجود آمد کاهش بدهد) این یک روش مشارکتی از سطح پائین جامعه به بالا است به اساس اینکه مردم بهترین منابع برای اعمار و حفظ صلح است. هدف این روش تقویت ظرفیت های محلی است که تا محلات بتوانند منازعه و مشکلات شان را به شکل مسالمت آمیز حل نمایند و بر علاوه این اعتماد، مصونیت و ارزش های اجتماعی را بین جوامع و گفتگو را بین گروه های مختلف نژادی رشد میدهد. وسیله ای که میتوان به این هدف نائل شد باید ظرفیت محلات، مخصوصاً ظرفیت جرگه و شورا ها تقویت گردد تا بتوانند منازعات را از طریق میانجیگری و مذاکره حل نمایند. کار جامعه مدنی در صلح، توسعه و رشد تعلیمات صلح باید حمایت گردد. این یک فعالیت تعیین و یا تعریف شده نیست، لیکن مطابقت با شرایط محلات دارد و تلاش می نماید تا ارزش ها، مهارت ها و تخنیک های اعمار صلح را در کار های وسیعتر انکشافی و حکومتداری شامل سازد.

کار اعمار صلح محلی در افغانستان تا به حال پراکنده و با پوشش بسیار محدود باقی مانده گرچه یک تعداد از سازمانها برنامه های اعمار صلح را موفقانه تطبیق نموده است بشمول دو سازمان غیر حکومتی افغانی (کیو) که قسماً آکسفا تمویل مینماید و بنیاد انکشافی سنایی (آس دی او). ارزیابی سازمانهای مستقل نشان میدهد که این یک ابتکاری خوب در آغاز برای قادر ساختن و حمایت کار های که بطور واقعی توسط دهات افغانستان پذیرفته می شود است. اعمار صلح در افغانستان اکثراً نتایج مرتبط و مثبت داشته: حل منازعات بزرگ، خشونت های در سطح پائین به شمول خشونت های خانواده گی، قویتر شدن وحدت محلات، پاسخ گویی قویتر به تحدید ها و واقعات بیرونی، توسعه فعالیت های انکشافی و شامل سازی دوباره عودت کننده گان با محلات را می توان از نتایج کار اعمار صلح بر شمرد.

با وجود اینکه کار اعمار صلح محلی تأثیر زیاد در انکشاف و صلح داشته است، مقدار کمی از افغانها مستفید شده اند. این می تواند دلیل قوی برای حمایت تمویل کننده گان از سازمانهای غیر دولتی که در کار اعمار صلح مصروف اند باشد همچنان تهیه یک استراتژی ملی برای صلح را تمویل کننده گان حمایت نمایند.

این استراتژی می تواند با تدویر یک کنفرانس ملی در مورد اعمار صلح محلی تهیه گردد. شرکت کننده گان این کنفرانس می تواند از متخصصین، (ان جی او) ها از داخل و خارج و همچنان مقامات دولتی، اعضای پارلمان، رهبران مذهبی، نمایندگان ملل متحد و غیره باشند. این نشست می تواند چارچوکات را برای استراتژی اعمار صلح بسازد و یک هیئت رهبری ملی را تأسیس نماید. و به تعقیب آن بخاطر ارزیابی استراتژی های محلی کنفرانس ها در سطح ولایات تدویر گردد.

نکات مهم این استراتژی می تواند توسط حکومت افغانستان و شورای ملی تأیید گردد و توسط جامعه مدنی حمایت گردد. این بدین معنی نیست که استراتژی از مردمی بودن خلاص می شود: در حقیقت این تطبیق برنامه را در سطح محلات کمک میکند. مطالب مهم استراتژی ملی می تواند شامل موضوعات ذیل باشد.

به راه انداختن برنامه های ظرفیت سازی دوره بی در سراسر کشور به شکل مشارکتی و انعطاف پذیر

معیار های که شامل سازی موضوع اعمار صلح را در نصاب تعلیمی برای تمام مکاتب تضمین نماید و برای تدریس خوبتر مضمون، همچنان شامل آموزش معلمین گردد.

برنامه های رشد آگاهی عامه در سطح ملی و محلی

شامل سازی موضوع اعمار صلح در سکتور های مرتبط دولتی و برنامه های ملی

تأسیس میکانیزم های که مطابقت تصمیم شورا ها را با قانون اساسی افغانستان و حقوق بشر نظارت نماید، و بطور جداگانه گزارش دهی، تحقیق، جمع آوری معلومات و فعالیت های اعمار صلح را فراهم نماید.

ایجاد معیارها برای ارتباط دادن کار اعمار صلح با سایر ساختار های حکومتی بویژه واضح ساختن ارتباط بین عدالت غیر رسمی و محاکم.

چالش های زیادی در تهیه و تطبیق یک استراتژی ملی وجود دارد. بر علاوه، تأثیر اعمار صلح غیر قابل لمس و اندازه است. لهذا، مداخله دولت ضروریست و این مداخله باید بدون احساس ما لکلیت باشد. سایر چالش ها می تواند، مثل شامل سازی زنان در برنامه، مقابله با خرابکاران، عدم ظرفیت های انسانی، معرفی و انعطاف پذیری برنامه باشد. گرچه برنامه های موجود در افغانستان به چالش ها غالب شده است و دلیل واضح وجود دارد که موفقیت این برنامه وابستگی به ملی بودن آن دارد برنامه های فعلی در ساحات نا امن کشور با استفاده از تکنیک های موجود تطبیق میگردد، این برنامه ها می تواند در جنوب و جنوب شرق توسعه پیدا نماید.

ضرورت است تا دولت افغانستان و جامعه جهانی نا کافی بودن فعالیت های موجود اعمار صلح را درک نمایند. برای اکثریت افغانها، منازعات عوامل محلی دارد و مردم برای حل آن به ساختار های محلی و انفرادی مراجعه نمایند. تا به حال کار کمی با محلات صورت گرفته، مخصوصاً برای ظرفیت سازی شورا ها تا بتوانند مشکلات را به شکل مسالمت آمیز حل نمایند. کار اعمار صلح در سطح محلات همبستگی اجتماعی را تقویت میکند، خشونت را کاهش میدهد و مقاومت مردم را در مقابل مداخله ملیشه افزایش میدهد. این یک قسمت مهم و تکمیل کننده استراتژی وسیعتر برای تأمین صلح دوامدار ملی است، بشمول معیارهای دقیق که حکومتداری، انکشاف دهات و مسلکی سازی پولیس و نیرو های امنیتی را رشد میدهد. ایجاد یک استراتژی ملی برای اعمار صلح محلی هنوز 5 سال عقب است: با در نظر داشت افزایش سطح خشونت ها دیگر نباید وقت را از دست داد.

## اقدامات دولت و جامعه جهانی در نا امنی ها

### ابتکارات موجود

موافقتنامه بن در سال 2001 یک چارچوکات و تقسیم اوقات را برای تأسیس قانون اساسی و نهاد های دموکراتیک در افغانستان ایجاد نمود. که مقصد آن خاتمه دادن جنگ های تراجیدی در افغانستان و رشد مصالحه ملی، ایجاد صلح پایدار، ثبات و احترام به حقوق بشر بود.

در توافقنامه جنوری سال 2006، افغانستان امنیت را منحصیث یک رکن اساسی برای رسیدن به ثبات و پیشرفت میداند، توافقنامه بیان میدارد که تنها تأمین امنیت از راه نظامی ممکن نبوده، بلکه ضرورت به حکومتداری خوب، عدالت و حاکمیت قانون همراه با بازسازی و انکشاف است. معیار های که مستقیماً مشکلات نا امنی را بیان میدارد در ضمیمه یک توافقنامه تشریح گردیده و حضور نیرو های بین المللی، تیم های باز سازی ولایتی را، مشترک با توسعه پولیس ملی و پولیس سرحدات در رشد صلح و ثبات حتمی میداند.

هیچ شکی وجود ندارد که این معیار ها بتواند ثبات و صلح را به بار آورد ولی این تنها در محدوده ظرفیت شان می توانند برای صلح کار نمایند. در جامعه ای که بی اعتمادی نسبت به بیگانگان وجود دارد و جائیکه ارتباطات محلی و قومی بسیار قوی است، ممکن نیرو های خارجی و دولتی در موقف باشند که صلح را در بعضی مناطق حفظ نمایند، لیکن ظرفیت برای تقویت آن محدود است.

توافقنامه همچنان خلع سلاح گروه های غیر قانونی را تأکید می نماید که تا به حال کار های اندک در تطبیق آن صورت گرفته است. طوریکه راپور دو ساله بورد نظارت و هماهنگی مشترک<sup>1</sup> مینویسد، از اثر تهدید های امنیتی، دوباره مسلح سازی نیرو های غیر قانونی در بعضی مناطق آغاز شده است.

پلان کاری افغانستان در مورد صلح و عدالت معیاری است که مستقیماً صلح را تقویت میکند، این معیار ها شامل برنامه های قدردانی از افغان های رنج دیده، اصلاح نهاد های دولتی، محاکمه نمودن ناقضین حقوق بشر و جنایتکاران، جستجوی اسناد و شواهد، رشد مصالحه، وحدت ملی و تأسیس میکانیزم های جوابدهی می باشد.

این برنامه اهمیت زیاد دارد، لیکن تنها به شکل رسمی در دسامبر سال گذشته اعلان گردید ولیکن بطور واضح از اسناد دولت افغانستان غایب است. (چالش ها و راه های حل در افغانستان، جنوری سال 2007). تنها به شکل مختصر در گزارش سالانه بورد نظارتی در اول می 2007 راجع شده است.

پیشرفت های کمی در اصلاح ساختار ها صورت گرفته و پیشنهاد میکانیزم های جوابدهی را بخاطر حرکت اخیر شورای ملی برای مصونیت بخشیدن بطور قانونی به مجاهدین پیشین و کسانیکه جرایم جنگی را مرتکب شده اند، زیر سوال برده است.

یک پلان کاری برای جستجو راه های ممکن شامل سازی پیام صلح در نصاب تعلیمی ضرورت است گرچه این کار تاثیر کمی بالای افغانها عادی دارد.

برعلاوه اینها، دولت افغانستان کمیسیون مستقل را برای تقویت صلح و رشد مذاکرات با مخالفین تأسیس نمود، که از طریق این مخالفین سابقه و فعلی می توانند مخالفت را کنار بگذارند و به فعالیت های سیاسی قانونی بپردازند. سازمانهای بین المللی و دیپلمات های خارجی همچنان برای این کار می کنند. بطور جداگانه دولت افغانستان همچنان جرگه صلح را بین رهبران اقوام از جنوب و جنوب شرق افغانستان و شمال پاکستان تدویر نمود.

## محدودیت ها

با امکانات کافی، حمایت و تعهد سیاسی برای تطبیق تمام این ابتکارات میتوان امنیت را رشد داد لیکن دانستن این ضروری است که این ابتکارات تنها در حاشیه، غیر مستقیم و یا قسماً به مردم افغانستان ربط میگیرد. رشد ظرفیت دهات افغانها برای اینکه بتوانند منازعه های شان را حل نمایند، صلح را ایجاد و حفظ نمایند. کاملاً بدست فراموشی سپرده شده است.

ناامنی های اخیر در جنوب و جنوب شرق افغانستان متأثر از کارهای محدود در سطح بالا و بدون یک برنامه صلح متوازن در سطح ملی است.

طوریکه دو متخصص در مورد صلح گفته اند. در عصر معاصر تنها خود جامعه می تواند مشکلات شان را حل نمایند. کاریکه برای مردم انجام می شود باید در سطح دهات انجام شود. جائیکه بیشتر خشونت و رنج های فزینی واقع می شود<sup>2</sup> و چنانچه که سازمان بین المللی بحران، در سال 2003 خاطر نشان ساخت. منازعات محلی مکرراً باعث خشونت و مشکل بزرگ میگردد، (در پائین بیشتر تشریح گردیده است) و تأثیر نا امنی زمینه را برای بهره برداری جنگ سالاران، جنایتکاران و ملیشه ها محیا می سازد<sup>3</sup>.

برای فهمیدن عوامل منازعه درک بیشتر از وضعیت و سبب های محلی باید صورت گیرد<sup>4</sup>، بخش ذیل عوامل های مختلف نا امنی را در سطح محلات افغانستان بررسی می نماید، این نشان میدهد چرا یکجا با سایر معیار ها برای رشد امنیت، پیشرفت و حکومتداری محلی<sup>5</sup>، یک برنامه ملی اعمار صلح می تواند اساسی را برای صلح دوامدار بگذارد.

## منازعه و نا امنی

### وضعیت فعلی امنیت

با دگر گونی های قابل ملاحظه منطوقی، هیچ شکی وجود ندارد که وضعیت عمومی امنیتی در افغانستان خرابتر شده است: قرار تخمین ملل متحد در سال 2006 میزان حملات، بم گذاری ها و سایر واقعات خشونت بار از 20-30 در صد بوده<sup>6</sup>. در یکی از بزرگترین سروی های نظر خواهی افغانستان که توسط بنیاد آسیایی در سال 2007 انجام شده است، یک سوم پاسخ دهنده گان گفته اند که وضعیت امنیتی در مناطق شان بسیار خراب شده است. بیشتر پاسخ دهنده گان گفته اند که آنها بخاطر مشارکت شان در حل منازعات، رای دهی در انتخابات، مظاهره مسالمت آمیز و داشتن یک دفتر عامه حراس دارند<sup>7</sup>. 49% مردم میگویند که آنها اکثراً در مورد مصونیت خود و خانواده شان نگران هستند، که این رقم 9% نسبت به سال 2006 افزایش یافته است<sup>8</sup>.

این بخش منابع مهم منازعه را در سطح محلات و عوامل نا امنی ها را واضح میسازد. این نظر به تجربه چندین ساله آکسفام در افغانستان، تحلیل و تحقیق های موجود، مصاحبه با صاحب نظران اعمار صلح و نظر به سروی که آکسفام به هدف این گزارش انجام داده است. چوکات اولی نشان دهنده روش سروی آکسفام را نشان میدهد. این باید واضح گردد که سروی انجام شده اساس این گزارش نمی باشد، لیکن سروی بخاطر بیشتر واضح ساختن یافته های تحقیق، تجربه آکسفام و سایر سازمانها انجام شده است

## چوکات 1: روش سروی امنیتی آکسفام

این سروی با 500 افغان در نیمه سال 2007 در 6 ولایت و زون های مختلف انجام شده و این نظر به وضعیت های مختلف امنیتی در ولایات هرات، ننگرهار، بلخ، غزنی، دایکندی و کندهار<sup>9</sup> صورت گرفته است. ملل متحد خطرات را در این ولایات که نشان دهنده وضعیت عمومی میباشد بطور ذیل تقسیم بندی نموده است: حد اکثر خطر در غزنی و ننگرهار، ساحات که خطرات متوسط و حد اکثر دارد: خطر در دایکندی کم است بدون از دو ولسوالی جنوبی آن، ولسوالی های با حد اکثر خطر در بدخشان و هرات است: ساحات که کم خطر دارد بلخ است.<sup>10</sup> متصفانه بخاطر نگرانی های امنیتی و مشکلات اداری تعداد مصاحبه های که باید در ولایات دایکندی و قندهار انجام میشد کاهش یافت<sup>11</sup>.

شرکت کننده گان این سروی بطور نمونه ای انتخاب شده بودند، شرکت کننده گان این سروی بدون ترتیب انتخاب شده بودند که از جمعیت های مختلف افغانستان نظر به سن، جنسیت و شغل انتخاب شده بودند، تخمیناً دو حصه پاسخ دهنده گان در دهات زنده گی داشتند. ساحات نمونه یی در دهات و شهر ها همچنان انتخاب شده بود. از هر پاسخ دهنده در مورد عوامل عمده منازعه، تحدید های بزرگ امنیتی، میکانیزم های عمده برای حل منازعات سوال گردیده. پاسخ دهنده گان توانستند نظر به سوال عوامل، تحدید ها و میکانیزم های مختلف را بیان نمایند که در شکل پائین آمده است. یافته های این سروی از نتیجه 10 بحث های گروهی که شرکت کننده گان بطور غیر ترتیبی شرکت داشتند: بحث های مشابه با زنان و مردان انجام شده است و بیشتر از 40 مصاحبه دیگر که شرکت کننده گان شان بدون ترتیب انتخاب شده بودند انجام شده است.

نتیجه این سروی تغییر بزرگ را در وضعیت امنیتی در زون ها و محلات مختلف نشان میدهد، متصفانه جای کافی در این اسناد برای تحلیل و ارزیابی تغییرات در محلات نیست و این تحقیق انعکاس دهنده وضعیت کلی ساحات پر خطر نیست (در جنوب) لهذا، این تحقیق با این نکته کبودی اش تحلیل گردد

## عوامل منازعه

### میراث جنگ

دهات جنگ در افغانستان یک محیط را ایجاد نموده است که از نگاه فزیک، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غیر مصون است طوری که سیتا ماس خلاصه بیان مینماید، فرقه های مختلف قربانی های پیشین، تجارب مختلف جنگ، توقعات نا امید بعد از جنگ و تعصب، برداشت های زیادی را از جنگ بجا مانده است. سبب این همه بازگشت ها و رنج کشیدن ها مسؤلیت های سیاسی است. و این را آشکار میسازد تا چه اندازه جوامع افغانها از هم جدا هستند گرچه بازمانده گان فعلی از ذکر جدایی شان انکار میکنند<sup>12</sup>.

جنگ ساختار های اجتماعی کشور را از بین برده و کاملاً یک نسل در نا امنی و تشویش های نشعت کننده بزرگ شده اند، و تمام انواع خشونت چه به شکل فزیک، روانی، ساختاری و فرهنگی در جامعه افغانستان می تواند شواهد باشد، در ضمن، جنگ سبب فقر گردیده و اقتصاد روستایی را که اکثریت افغانها وابسته به آن است تخریب و زیربنای حکومت محلی را برای عرضه خدمات لازم فلج نموده است.

### فقر و بیکاری

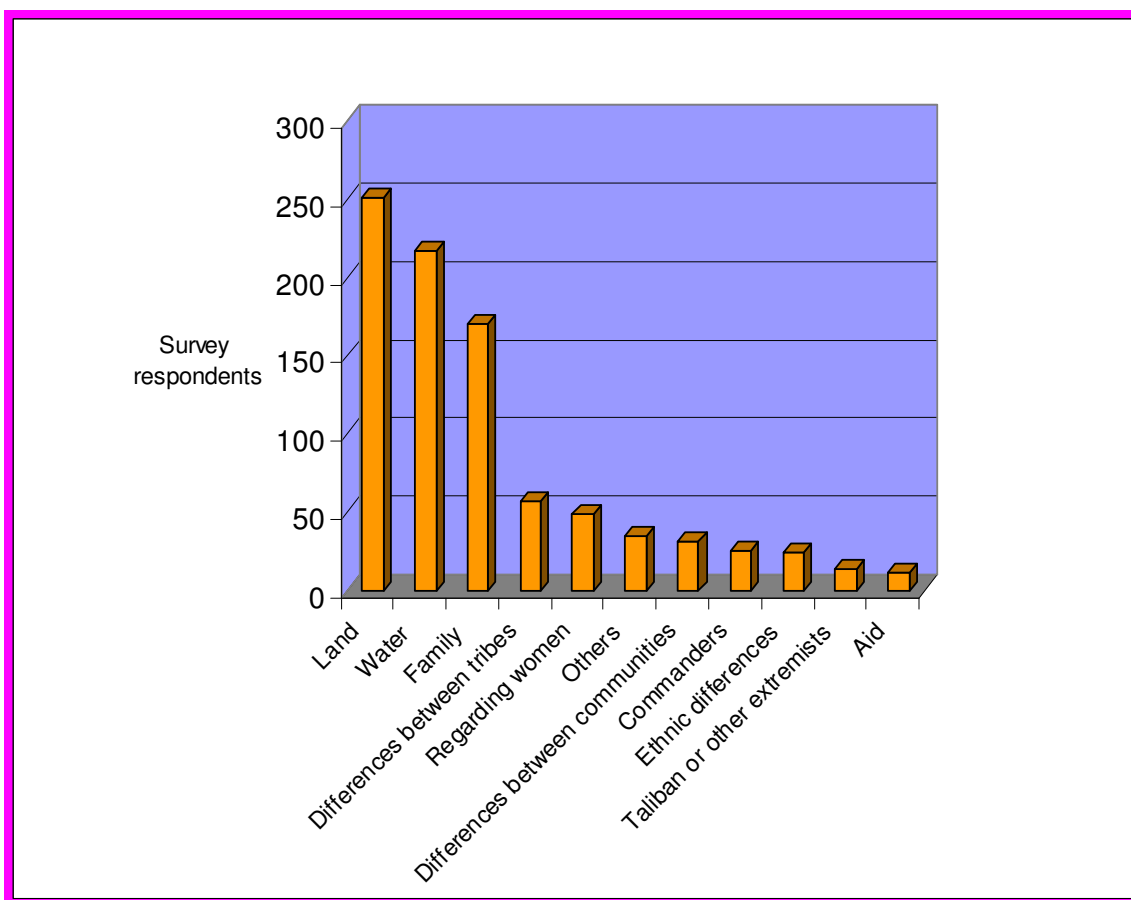
از نتیجه سروی آکسفام این واضح است، نتایج بحث های گروهی و مصاحبه نشان میدهد که فقر و بیکاری در افغانستان بزرگترین فاکتور در نا امنی محلات است، بیکاری در افغانستان در سطح 40 الی 60 درصد است و در بعضی مناطق هم بیشتر. کسانی که بیکار هستند هیچ نوع مصونیت اجتماعی ندارند، تأثیر این بسیار جدی است و مردم را به انجام کار های مختلف مجبور میسازد.



طوری‌که مرد جوانی از ولایت هرات اظهار داشته، "در فامیل من پنج نفر است که مسولیت آن به دوش من است، من اگر خوش شانس باشم دو روز در یک هفته کار پیدا میکنم و بیشتر اوقات پول نان را برای فامیلم پیدا کرده نمی‌توانم، دو بار تصمیم گرفتم که خودکشی کنم". مرد محسن تری از همین ولسوالی اظهار داشته است "وقتی‌که مردم هیچ وسیله‌ای برای زنده ماندن نداشته باشد دزدی میکنند". نظریات در بحث‌های گروپی مشابه نشان میدهد بیکاری بعضی اوقات با جنایتکاری، منازعه و خشونت مشخصا بالای منابع ربط دارد. طوری‌که یک مرد از ولسوالی بهسود ولایت جلال آباد بیان داشته است بیشترین جنگ‌ها بالای آب و زمین صورت می‌گیرد. و این بین کسانی‌که بیکار هستند بیشتر است.

### شکل 1: سروی امنیتی آکسفام در مورد بیشترین عوامل منازعه<sup>13</sup>

این گراف نشان میدهد که برای هر موضوع چه تعداد از پاسخ‌دهنده‌گان به این باور بودند که این بزرگترین سبب نا امنی در منطقه‌شان است.



### زمین و آب

در سروی آکسفام (شکل 1) نصف از پاسخ‌دهنده‌گان گفته‌اند که زمین بزرگترین علت منازعه است و این به تائید سایر سروی‌هاست. در یک سروی بزرگتر در سال 2006 توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان میدهد نزدیک به نصف تمام مشکلات‌های محلی با ملکیت<sup>14</sup> ارتباط می‌گیرد، سروی مشابه دیگر که توسط بنیاد آسیایی انجام شده همچنان نشان میدهد بیشتر از 80 فی صد منازعات محلی با زمین و ملکیت<sup>15</sup> ارتباط می‌گیرد که متأثر از یک سلسله فاکتورهای مثل مالکیت چند نفر بالای یک زمین، کوشش بی ربط برای اصلاح زمین، غصب زمین‌های شخصی و دولتی توسط قدرتمندان، از بین رفتن اسناد‌های قانونی، مهاجرت‌های اجباری و افزایش بیجا شده‌گان و عودت‌کننده‌گان که باعث بدتر شدن وضعیت گردیده‌اند می‌باشد. جنگ و خشکسالی بیشتر

روی کشت زمین های زراعتی تأثیر داشته است و در بعضی جای از ولسوالی ها از 90 الی 80 فی صد زمین زراعتی متأثر گردیده.

سروی آکسفام نشان میدهد که بزرگترین علت دوم منازعات آب است. این بخاطر اهمیت آب در استفاده زراعتی و نوشیدنی است، و این متأثر از جنگ، ضعف مدیریت آب، آبیاری، خرابی محیط زیست و خشک سالی های دوامدار است و آفت های طبیعی مکررا به مشکلات موجود افزوده. بطور مثال، خشکسالی سال 2006 باعث کمبود غذا برای دونیم ملیون انسان گردید و تعداد مشابه از افغانها به غیر مصونیت غذایی مواجه شدند، در این مورد اقدامات دولت و روستا ها محدود و پراکنده بوده و نتوانسته در اسرعه وقت اثرات آفت را بطور مؤثر کاهش بدهند.

## مخالفت های خانواده گی

دیگر منبع منازعه طوریکه در سروی آکسفام نشان داده شده است، اختلاف و منازعه بین خانواده هاست، چنین منازعات میتواند به آسانی به قبیله و محل سرایت نماید. یک تعداد زیاد قضیه ها به زنان، ازدواج و یا ارتباط جنسی<sup>16</sup> ربط دارد، و این خشونت ها از نتیجه عرف های ناپسندیده سنتی در زنده گی عادی مردم می باشد، خشونت ها مثل: جهیز های شرطی، عروسی ترتیبی، رواج بد دادن و بدل ( رواج که یک فامیل دختری را برای عروسی بخاطر جبران گناهی و یا حل منازعه برای خانواده دیگر میدهد) و یا رواج هائیکه یک زن بیوه با برادر شوهر گذشته اش عروسی می کند. بعضی اوقات پیامد های خشونت های خانواده گی و یا رفتار های تبعیض آمیز بر علیه زنان سبب منازعه در بین خانواده ها، قوم و یا مردم محل میگردد.

## منازعات قومی و نژادی

مردم افغانستان متشکل از نژاد های مختلف هستند و در بعضی ساحات همین تفاوت های نژادی باعث از بین رفتن همبستگی اجتماعی میگردد. بطور مثال، تحقیق آکسفام در ولسوالی غوریان ولایت هرات نشان میدهد که، بزرگترین عامل منازعه زمین است، که بیشتر بین پشتون ها و تاجک ها صورت میگیرد. با وجود یک احساس قوی ملی، ارتباطات نژادی و قومی اهمیت زیاد داشته است. نا برابری ها و دشمنی بین نژاد ها قبل از انقلاب ثور سال 1978 وجود داشته، لیکن از اثر جنگ ها و سوء استفاده قوماندانان بخاطر تقویت خود شان، تشدید بخشیده شد است.

## بیجا شده گی

آماج زیاد بیجا شده گان، از بیرون و داخل باعث به بار آوردن فشار بالای مردم روستا ها گردیده، مردم مجبور شدند تا تعداد کثیر از عودت کننده گان را جای بدهند. در بعضی مناطق منازعه زمانی شروع می شود که عودت کننده گان برای گرفتن زمین و ملکیت شان دعوا می نمایند، مشکلات اجتماعی و فرهنگی همچنان میتواند از سبب حقیقت که بیشتر عودت کننده گان با خاصیت و تفکر های مختلف با نتیجه تجارب شان برگشته اند، تقریباً سه ملیون افغان از سال 2002 بدینسو در افغانستان عودت نموده اند. زمانیکه بیانیه اخیر از طرف پاکستان اعلان شد که تعداد 2 ملیون افغان مهاجر باید به زودترین وقت به کشور شان برگردند، مردم محلات بیشتر تحت فشار قرار گرفتند.<sup>17</sup>

## تجارت مواد مخدر

تولید، تورید و قاچاق تریاک، و اقدامات نسبت به آن همچنان می تواند روستا های افغانستان را بی ثبات سازد. بویژه تقسیم اوقات نادرست برای محو دریاک و یا کمک های انکشافی مشروت به مبارزه با مواد مخدر میتواند باعث مخالفت بین فعالین مهم محل گردد و تأثیر شدید تر آن بخصوص جای می باشد که برنامه معیشت بدیل ناکام مانده است. این نوع مداخلات باعث رنجش و مشقت زیاد میشود و جنگ سالاران را تقویت میکند در حالیکه هیچ تأثیری بالای قاچاقبران بزرگ ندارد.

## کمک

بطور وسیع کمک های خارجی تأثیر جنگ را اصلاح ساخته است ولیکن، در بعضی موارد ثبات روستا ها را زیر تأثیر برده است. در جریان سال های 1980 کمک ها توسط اشغال گران شوری و مجاهدین برای اهداف سیاسی استفاده می شد و بطور وسیع برای جدا سازی جوامع افغانی استفاده شد. کمک ها بدون توجه و با در نظر داشت وضعیت روستا ها به مردم ارائه شد و باعث گردید تا نا برابری های قدرت های موجود آن زمان مستحکم گردد، منطقه ای را بر منطقه دیگر، قسمت مردم را نسبت به قسمت دیگر ترجیح دادند و از این برای رشد رشوت، حمایت جنایتکاران و اهداف تخریب کننده استفاده نمودند.<sup>18</sup> بعضی برنامه های کمک حتی نهاد های که توسط قدرتمندان تأسیس شده بود فریب داده و از آن به نفع شان بهره برداری نمودند.<sup>19</sup>

## ظرفیت حکومت محلی

کمبود نهاد های مؤثر دولتی و پروسه های به میراث مانده قبول شده برای تنظیم امورات ملکی بی ثبات کننده است. و همچنان جامعه مدنی افغانستان تا به حال به بطور درست تأسیس نشده. عدم منابع فیزیکی و انسانی باعث شده است، حکومت محلی برای سوء استفاده باز گردد. سپس سوء استفاده از قدرت در سطح محلات برای کار های شخصی، جنایت و یا کار های غیر قانونی زیاد گردیده و باعث منازعات می شود.

## تأثیر منازعات

سروی تحقیق آکسفام نشان میدهد که اکثریت منازعات بطور مسالمت آمیز حل گردیده و بسیار کم از قضایا به خشونت گرائیده است. در یک مطالعه بزرگتر، ملل متحد چگونگی منازعات بالای زمین را که باعث خشونت بین محلات میگردد تشریح منیماید.<sup>20</sup> مثل این گروه بین المللی بحران خلاصه می نماید که منازعه بالای منابع باعث خشونت و مشکلات بزرگتر میگردد.<sup>21</sup>

در حالیکه قوت و اهمیت ارتباطات فامیلی و قومی در افغانستان می تواند منبع ای برای ثبات باشد، همچنان می تواند به زودی باعث خشونت گردد. یک منازعه بین دو فرد می تواند باعث خشونت بین خانواده ها، محلات و حتی اقوام گردد.

خشونت علیه مرد و زن است: مخصوصاً زنان بیشتر از خشونت های خانواده گی رنج میبرند. طوریکه ملل متحد بیان میدارد، ملیون ها زن و دختر افغان مورد تبعیض و خشونت در خانواده های شان و یا در جامعه شان قرار میگیرند.<sup>22</sup>

گرچه منازعات محلی نظر به شورشی های طالبان مورد توجه قرار نمی گیرد، آنها ترس و وحشت را ایجاد میکنند، و یک محیط نا امنی را میسازد که زنده گی را برای مردم عادی ملکی خراب می سازد.<sup>23</sup> آنها همچنان خانواده ها و محلات را از یکجا کار نمودن مانع میکنند - که باعث فقر بیشتر در روستا ها میگردد.

محلات که جدا شده اند نسبت به بهره برداری قدرتمندان مثل جنگ سالاران، گروپ های جنایتکاران و طالبان آسیب پذیر هستند و قدرتمندان بخاطر تقویت موقف شان و تحت تأثیر در آوردن حکومت از وضعیت سوء استفاده می نمایند.<sup>24</sup> بطور مثال در سال 2006 طالبان ولسوالی گیزاب ولایت دایکندی را تصرف نمودند. نظر به گزارش ملل متحد قومگرای تأثیر زیاد بالای ثبات ولسوالی داشته. از دشمنی بین قوم ملوزی و نیکوزی طالبان بخاطر تطبیق دستور کار شان استفاده زیاد نمودند.<sup>25</sup> در هلمند، همچنان در سال 2006 طالبان از دشمنی بین قوم الزی، اچکزی و الکوزی بخاطر دوباره تأسیس نمودن قدرت طالبان در ولایت سوء استفاده نمودند.<sup>26</sup>

## تهدید ها

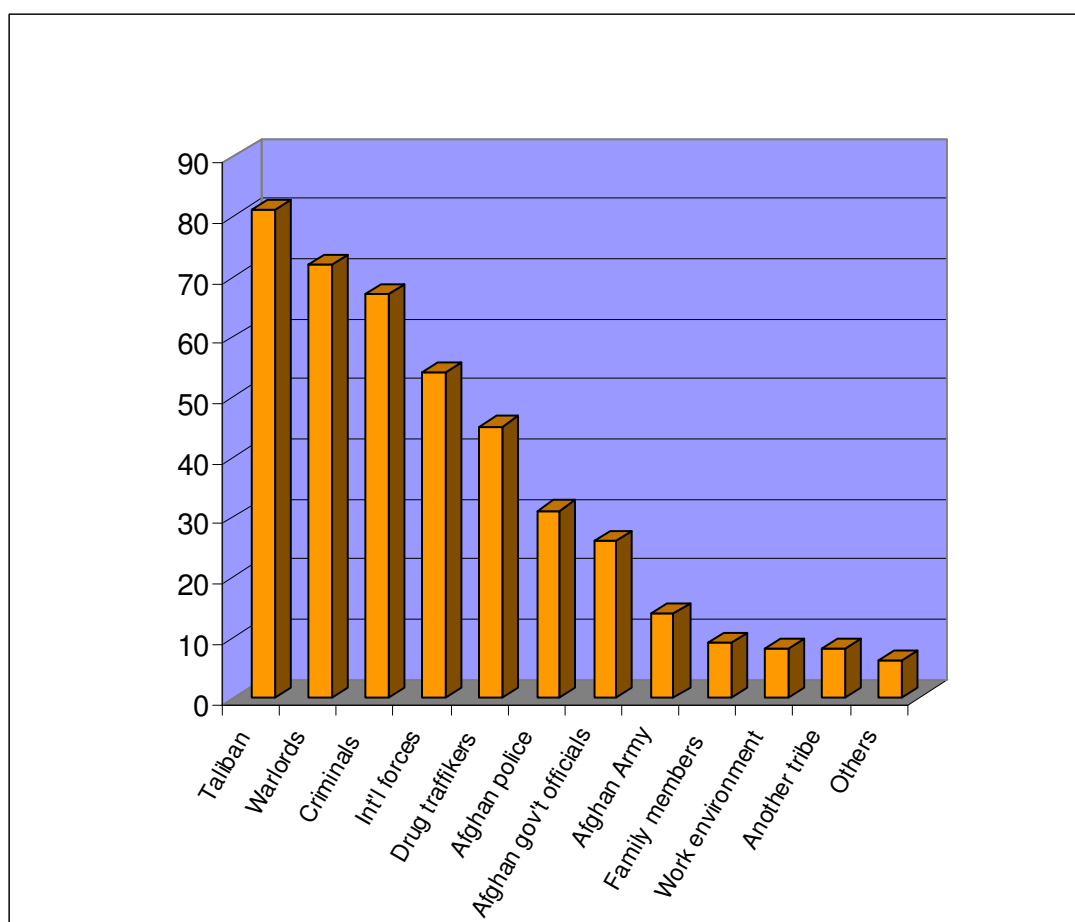
این بخش روی عوامل و پیامد های منازعات تمرکز می نماید، تهدید ها بالای امنیت محلی تأثیر دارد. گرچه تهدید نمی تواند باعث منازعات در سطح محلات گردد لیکن، محیط مشوش و نا امن را ایجاد می نماید که کار را برای رشد صلح، حل منازعات، و یا هم تقویت همبستگی اجتماعی مشکل می سازد. این سند موضوعات را بطور عمیق بیان نمی کند، لیکن نکات مهم را برجسته می سازد.

سروی آکسفام آشکار میسازد که تعداد محدود از افغانها در خانواده ها و محلات شان احساس مصونیت میکنند در حالیکه با تهدید های زیاد مواجه هستند - طوریکه در شکل نشان داده شد، تنها طالبان تهدید عمده برای افغانها نیست همانطوریکه بعضی اوقات در رسانه های به تصویر کشیده می شود، از آن هم مغلط تر است. جنگ سالاران، جنایتکاران، نیرو های بین لمللی، قاچاقبران مواد مخدر و پولیس همه به انواع و درجه های مختلف برای مردم در سطوح جدا گانه تهدید هستند. در حقیقت، در بعضی ساحات طالبان به شکل یک شبکه ملیشه هستند، و یک گروه ضد حکومتی هستند تا یک گروه سازمان یافته. طوریکه در مورد افغانستان نوشته، جنگ در افغانستان بر علیه حرکت یک پارچگی طالبان نیست. در بیشتر نقاط کشور ریشه در منازعات قومگرایی سابقه دارد.<sup>27</sup>

این مطالعه چگونگی متاثر بودن محلات را نشان نمی دهد و به تحدید های عمده نا امنی هم پاسخ ارائه نمی کند و نه ارتباط بین منازعه و تحدید را بررسی میکند، هر دو ضرورت به تحقیق بیشتر دارد. گرچه این تحقیق تا حدی نشان میدهد که در بیشتر ساحات تنها یک تهدید و یا عامل منازعه وجود ندارد. و معیار هائیکه پاسخ گویی این نوع تحدید ها باشد باید مرتبط با وضعیت محلات باشد.

### شکل 2 - سروی امنیتی آکسفام: بزرگترین تهدید های امنیتی<sup>28</sup>

این گراف نشان میدهد که برای هر موضوع چند تن از پاسخ دهنده گان به این باور بودند که این عوامل بزرگترین تهدید برای امنیت است



## میکانیزم های موجود برای حل و مدیریت منازعات:

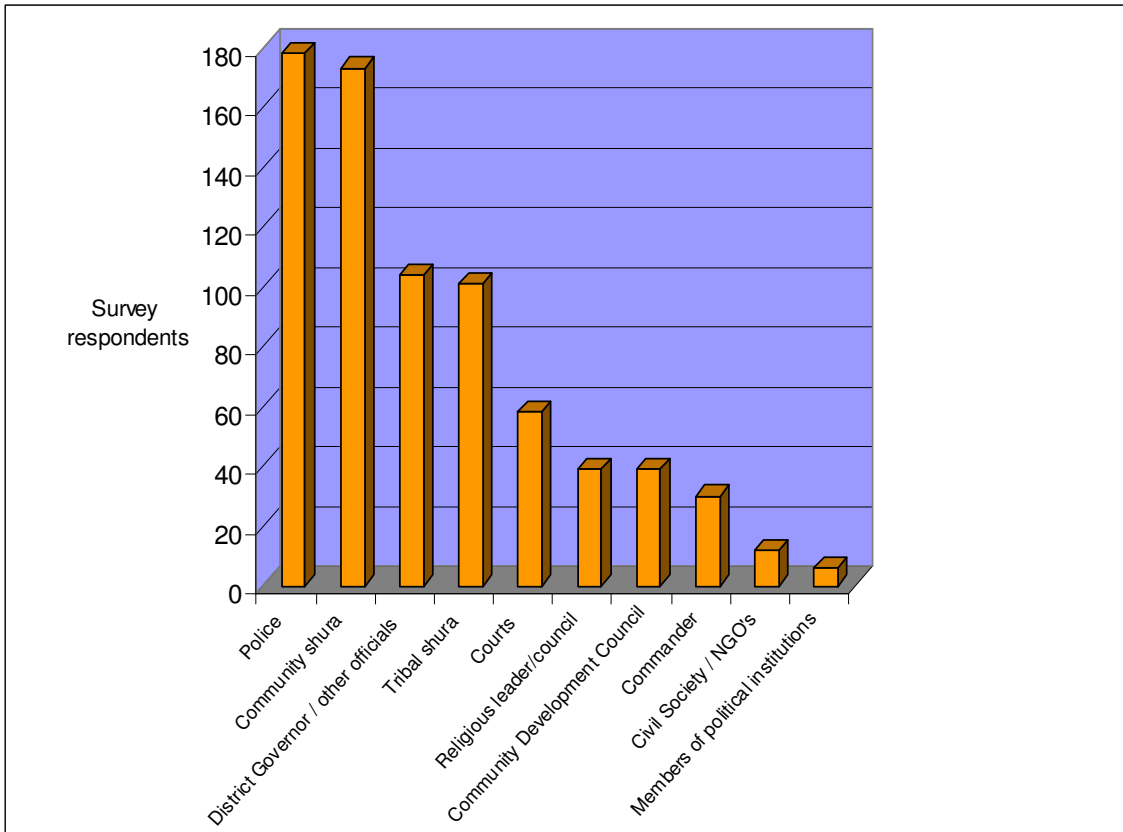
این واضح است که عوامل نا امنی بعضی اوقات از سطح روستا ها شروع میشود. سوال این است که پس چطور روستا ها مشکلات و منازعات شانرا بیان و حل می نمایند.

### میکانیزم های رسمی

در مورد نهاد های رسمی دولتی سروی آکسفام (شکل-3) نشان میدهد که بعضی اوقات از پولیس برای حل منازعات کمک گرفته می شود. و این در مناطق شهری بیشتر است، جائیکه حضور نیروی های پولیس بیشتر است. دخیل بودن پولیس ظاهراً حقیقتی را انعکاس میدهد که منازعات باعث جنگ می شود و یا به خشونت می گراید، گرچه مصاحبه های سروی آشکار می سازد که مردم برای کنترل منازعه در کوتاه مدت، و یا هنگامیکه مردم برای حل منازعه شان ناکام می مانند به پولیس مراجعه میکنند. این همچنان مکرراً در شهر ها نسبت به دهات استفاده می شود، جائیکه موجودیت این نوع منازعات محدود است، باز هم قابل سوال است، آیا آگاهی کافی بین پالیسی سازان وجود دارد به یک سطح که پولیس محلی در حل منازعات نقش دارد و در همین مورد آموزش دیده اند.

### شکل-3 سروی امنیتی آکسفام: میکانیزم های عمده برای حل منازعات<sup>29</sup>

این گراف نشان میدهد که برای هر میکانیزم، چه تعداد پاسخ دهنده گان گفته اند که آنها به چنین نهاد ها برای حل منازعات شان مراجعه میکنند.



نهاد های محلی دولتی از کمبود ظرفیت رنج میبرند، در بعضی موارد در موقف شان که بتوانند منازعات را منحصیث یک مرجع قانونی حل نمایند مشروعییت ندارند. گرچه، در سروی نشان میدهد که ولسوال ها برای احترام شان بعضی اوقات برای این اهداف خواسته می شوند.

بعضی منازعات محلی برای حل قضائی مناسب نیست، جائیکه تنها محاکم ملی می تواند مناسب باشد، در روستا ها از این نهاد ها کم استفاده می شود، موجودیت ملی محاکم بسیار محدود است و بیشتر افغانها بر این باورند که محاکم بسیار آهسته و قیمت در بعضی قضیه ها هستند. قضات ندرتاً شایسته هستند و یا برای پیاده کردن عدالت از وظیفه شان کم آگاه هستند. یک گزارش اخیر نشان میدهد که تنها نصف قضات تحصیلات عالی در حقوق و یا شریعت دارد، و بیشتر از یک سوم آنها حتی آموزش ندیده اند.<sup>30</sup> همچنان تقریباً 6000 قضیه در حال انتظار برای قضاوت است.<sup>31</sup> برای این دلیل طوریکه سروی آکسفام نشان میدهد، محاکم جایی آخری برای حل منازعات جدی و یا طولانی مدت است.

### میکانیزم های غیر رسمی

هر تصمیم انفرادی برای استفاده نمودن از میکانیزم رسمی و یا غیر رسمی برای حل منازعات وابسته به فاکتور های مختلف است، که از یک محل به دیگری فرق میکند.

گرچه سروی آکسفام نشان میدهد، تنها میکانیزم مشهور که برای حل منازعات مورد استفاده قرار میگیرد، خود مردم و یا شورا های قومی بزرگان است (معمولاً بنام جرگه و شورا یاد می شود) این شورا ها (در این اسناد بطور عام به تمام شورا ها استفاده شده است) اعضای این شورا ها مختلف هستند. اعضای شورا ها را بزرگان و سایر کسانی که سرمایه، نفوذ و یا قدرت در منطقه دارند تشکیل میدهد، مثل ملا، آنها ندرتاً شامل زنان، جوانان و فقیر ترین مردم محل می شود، از اینرو شورا ها تا حدی مشروعییت و یا ثبات ساختاری دارند. لیکن در بعضی موارد به نماینده گی از عموم مردم ناکام مانده اند، این بخاطریکه بسیار کم و یا هیچ آموزش در حل و یا مدیریت منازعات ندیده اند. آنها بیشتر تمایل به تطبیق عرف دارند مثل، پشتونوالی.<sup>32</sup>

اگر بطور مقایسوی نگاه شود، شورا ها بیشتر نسبت به میکانیزم های رسمی مؤثر بوده: در سروی 2007 بنیاد آسیایی، بیشتر از 75 درصد پاسخ دهنده گان توافق نمودند که شورا ها مناسب و قابل اعتماد هستند نورم ها و ارزش های محلی را مراعت میکنند توانسته اند عدالت را تأمین نمایند، در حالیکه 57 - 58 درصد مردم حین چیز را نسبت به محاکم دولتی باور داشتند.<sup>33</sup> در سروی کمیسیون مستقل حقوق بشر 58% مردم جواب داده اند که بیشتر اوقات نهاد های دولتی برای رساندن کمک به مردم ناکام مانده اند، در حالیکه تنها 13 درصد مردم گفته اند شورا ها برای رساندن کمک به مردم ناکام مانده اند.<sup>34</sup> در حقیقت، دولت افغانستان عناصر مهم ساختار های سنتی را در استراتژی سال 2005، بنام عدالت برای همه، شناخته است.<sup>35</sup>

هم ردیف با این یافته ها، تحقیق که توسط برنامه انکشافی ملل متحد انجام شده نشان میدهد، زمانیکه شورا ها منازعات را حل می نمایند، مهمترین نتیجه آن آوردن صلح بین گروه های درگیر و پرداخت غرامت برای قربانیان است.<sup>36</sup> گرچه شورا ها روش ترجیحی برای حل منازعات است، آنها بعض اوقات به شکلی عمل می نمایند که در حل منازعه ناکام می مانند و یا منازعه را بطور مناسب حل کرده نمی توانند و یا هم عوامل منازعات را فراموش میکنند که خود باعث منازعات بیشتر و یا خشونت میگردد. شورا ها اکثراً به شکل عکس العملی حرکت میکنند تا اینکه پیش قدم باشند و در بعضی موارد ترکیب شان باعث نشویش اجتماعی و فرهنگی میگردد. و همچنان در بعضی موارد نتایج فعالیت آنها به شکل تناسبی درست نبوده.<sup>37</sup>

ساختار های جدید، مثل شورا های انکشافی برنامه همبستگی ملی که انتخابی هستند نماینده گی بیشتر مینمایند، تقریباً در حدود 16000 از این شورا ها در سراسر کشور وجود دارد ولیکن در حین زمان با عدم مشروعییت از سوی مردم مواجه هستند و در بعضی نقاط منحصیث یک نهاد دولتی است و آن هم بشکل عنعنوی وجود دارد و برای به چالش کشاندن کمک استفاده شده اند تا اینکه منحصیث یک میکانیزم برای اعمار صلح استفاده میشد. و از اینکه تعداد نسبی از پاسخ دهنده گان سروی آکسفام گفته اند که برای حل منازعات شان به شورا ها مراجعه نمی کنند شاید آن هم، بخاطر این باشد.

## میکانیزم های محلی

در سروی آکسفام، تخمیناً تعداد مساوی از پاسخ دهنده گان گفته اند که آنها از میکانیزم های رسمی و غیر رسمی استفاده میکنند. اگرچه ترجیحات اولی را در نظر بیگیریم، اکثر پاسخ دهنده گان گفته اند که آنها اول به شورا ها مراجعه می کنند، قبل از اینکه از میکانیزم های رسمی استفاده نمایند. بطور مثال، یکی از باشندگان ولسوالی انجیل ولایت هرات گفته است، "ما یک شورا محلی داریم که مردم برای حل منازعات شان به آن مراجعه میکنند و بعضی اوقات ارباب ها (صاحبان زمین) و بزرگان شورا مشکلات مردم را حل میکند، ولیکن اگر مشکل شان حل نشود به پولیس مراجعه میکنند. در نقاط مختلف ولسوالی مردم مشکلات و منازعات شان را از طریق شورا ها حل میکنند بخاطریکه بالای شورا اعتماد داریم که مشکلات ما را منصفانه حل میکند و اگر حل نشود بعداً به پولیس و یا ولسوال مراجعه میکنیم".

تحقیق آکسفام همچنان این را تصدیق میکند، که میکانیزم های ترجیحی برای حل منازعات تقریباً همیشه ساختار های محلی است مثل شورا ها، و به درجه کمتر پولیس و مقامات دولتی مثل ولسوال.

این یافته ها را همچنان سروی سازمان مستقل حقوق بشر تصدیق نموده است که 55% مردم از میکانیزم های سنتی و یا غیر رسمی بخاطر حل منازعات شان استفاده نموده اند<sup>38</sup>، و 38% مردم از میکانیزم های دولتی و یا رسمی مثل محکمه، و یا پولیس استفاده نموده اند. سروی بنیاد آسیایی، تبعیض مثبت را نسبت به میکانیزم های محلی برای حل منازعات نشان میدهد، با در نظر داشت اینکه 70% مردم به بزرگان محلی و یا شورا ها برای حل منازعات شان مراجعه میکنند<sup>39</sup>. گرچه سروی سال 2007 بنیاد آسیایی با سروی سال 2006 فرق میکند و بسیار مشابه با یافته های سروی آکسفام است<sup>40</sup>.

با وجود مرکزیت ساختار های محلی به شکل انفرادی، امکانات و منابع بسیار محدود از سوی جامعه جهانی و دولت برای ظرفیت سازی محلات که بتوانند منازعات را حل نمایند به مصرف رسیده است، به شکل تاریخی (ان جی او) ها برای کاهش دادن مشقت های ابتدایی که متأثر از جنگ است کار کرده اند بجای اینکه سبب منازعات را درمیافتند و یا سرمایه های اجتماعی را حمایت میکردند<sup>41</sup>. تمویل کننده گان همچنان پروژه های کوتاه مدت را که نتایج قابل دید دارد تمویل می کنند تا اینکه پروسه های توپل مدت را که مفاد غیر قابل محسوس دارد حمایت کنند.

در حال حاضر کار اعمار صلح محلی توسط یک تعداد کمی از سازمانهای خارجی و داخلی در افغانستان انجام می شود که تأثیر زیاد در جلوگیری و حل منازعات داشته که در این گزارش بعداً تحلیل گردیده است، بعضی (ان جی او) های بزرگ همچنان کار اعمار صلح محلی را در برنامه های انکشافی شان شامل ساخته است بطور مثال، قسمت از برنامه همبستگی ملی، لیکن اعمار صلح محلی شامل استراتژی انکشافی افغانستان نیست. کاریکه تا به حال انجام شده از نظر جغرافیایی و هم ساختاری بسیار پراکنده بوده و یک تعداد کمی از نفوس افغانها از این مستفید شده اند. بیشتر از این توجه زیاد دونه ها روی تهیه مواد و حمایت چشمگیر فزینی بوده نسبت به رشد ساختار های اجتماعی و محلی در سطح روستا ها بوده<sup>42</sup>.

## اعمار صلح

### اعمار صلح چیست؟

طوریکه اخیراً توسط مقامات عالی رتبه ملل متحد گزارش داده شده، تهدیدها، چالش ها در صلح و امنیت از انکشاف و حقوق بشر نمی تواند جدا شود. لهذا، تا یک حدی کارهای سیاسی، دولت سازی، بازسازی و کار انکشافی در افغانستان می تواند منحصراً کار اعمار صلح مد نظر گرفته شود. فعالیت های که مستقیماً در جستجوی رشد صلح می تواند سیاسی، ساختاری و اجتماعی باشد.

اعمار صلح سیاسی در سطح بحث های عالی سیاسی و دیپلماتیک است که معمولاً برای پایان دادن یک منازعه و یا جلوگیری از منازعه می باشد. اعمار صلح ساختاری بالای تأسیس ساختار ها تمرکز دارد و یا سیستم های که فرهنگ صلح را حمایت می کند و بعضی اوقات با سیستم مشارکتی حکومتی برابر می باشد. اعمار صلح اجتماعی در رفتارها و ارزش ها با ایجاد یک زیر بنای اجتماعی و ساختاری که صلح را تقویت می کند نفوذ می

کند. گرچه در عمل اشکال مختلف اعمار صلح با هم کمی ارتباط دارند و یا با هم صفات مشترک دارند و تمام اینها دیدگاه‌ها را برای صلح تقویت می‌کند و خشونت را کاهش می‌دهد.

## اعمار صلح محلی

اعمار صلح محلی عمدتاً اجتماعی و ساختاری می‌باشد این یک روش مشارکتی از سطح پائین به بالا است نظر به اینکه مردم بهترین منابع برای به وجود آوردن و حفظ صلح است. این مسلم است که رشد صلح نه تنها در سطح بالا صورت بگیرد بلکه در جائیکه منازعات باعث خشونت و جنگ می‌گردد باید صورت گیرد.

هدف اعمار صلح محلی رشد اعتماد، مصونیت و همبستگی اجتماعی در بین جوامع می‌باشد، ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی را برای حل منازعات تقویت می‌نماید، دیالوگ را بین گروه‌های نژادی و سایر گروه‌ها رشد می‌دهد، هدف این جلوگیری از منازعه است تا محیطی را ایجاد نماید که آسیب‌پذیری محلات نسبت به عوامل خشونت‌های داخلی و خارجی کاهش یابد و سرانجام با رشد دادن ارزش‌های صلح در اخلاق و رفتارها نفوذ میکند.

وسيله‌ای بدست آوردن این از طریق، تقویت ظرفیت ساختارهای دهات برای حل منازعات ممکن است. بویژه شوراها از طریق میانجیگری و مذاکره می‌توانند مشکلات را حل نمایند و کار جامعه مدنی را در اعمار صلح، انکشاف دهد و آموزش صلح را حمایت کنند. اعمار صلح محلی تأمین عدالت را رشد می‌دهد، به قربانیان زمینه پرداخت غرامت را فراهم می‌سازد و ارتباطات را بین متخلفین و قربانیان احیا می‌سازد.

اعمار صلح تحمیل کردن راه‌های حل و یا مفکوره‌های از قبل تهیه شده نیست. این از ارزیابی خودی شروع می‌شود و دهات را حمایت می‌نماید تا وسیله‌های رشد وحدت اجتماعی تقویت یابد و ظرفیت‌ها را برای رسیدن به یک راه حل انکشاف می‌دهد یک راه حل که هم صلح‌آمیز و منصفانه باشد. هدف این حمایت از پیشرفت و تغییر ساختارهای سنتی محلی به شکل تدریجی می‌باشد تا بیشتر مناسب و سازنده گردند.

اعمار صلح محلی همکاری جامع و سازنده را بین مردم، ساختارها و جامعه مدنی رشد می‌دهد این یک پروسه دودمدار اجتماعی است که راه‌های شامل سازی اعمار صلح، ارزش‌ها، مهارت و تکنیک‌ها را در تمام کارهای حکومتداری و کار انکشافی جستجو می‌کند.

## اعمار صلح محلی در عمل

### تأثیر

### تأثیر اعمار صلح محلی چیست؟

اعمار صلح محلی در یک سلسله کشورهای در حال جنگ و یا بعد از جنگ بسیار موفقانه توسط سازمانهای داخلی و بین‌المللی در یک تعداد از کشورهای در حال جنگ تطبیق شده است مثل، کمبودیا، ویتنام و نیپال. بطور مثال آکسفام: برنامه‌های اعمار صلح و مدیریت منازعه را در کنیا شمالی از سال 1990 به اینسو تطبیق می‌کند جائیکه منازعات بیشتر اوقات سرمنابع کم‌یاب واقع می‌شود. برنامه اعمار صلح و مدیریت منازعه در روستاها با همکاران صلح و کمیته‌های انکشافی در 14 ولسوالی تطبیق می‌گردد. البته این کار را با هم‌آهنگی مقامات دولتی و (ان‌جی‌او)ها بخاطر توسعه میکانیزم‌های سنتی محلی صورت می‌گیرد. و همچنان این برنامه ابتکارات هنیت‌رئیس ملی را در سیاست‌ها، دادخواهی و هماهنگی اعمار صلح و شبکه‌های انکشافی صلح حمایت می‌کند (شبکه صلح)

در نتیجه تطبیق برنامه اعمار صلح خشونت بطور قابل ملاحظه کاهش یافته و همزیستی مسالمت‌آمیز بین روحانیون به جود آمده. ظرفیت همکاران ملی و محلی، مقامات دولتی و سازمانهای که در جلوگیری منازعه و اعمار صلح کار می‌کنند توسعه نموده و هماهنگی بیشتر رشد نموده است. راهکارهای موثر تری محلی برای ریشه‌یابی عوامل منازعه شناسائی گردیده و مورد حمایت خوب دولت و هنیت‌رئیس قرار گرفت. دولت میکانیزم‌های اعمار صلح و مدیریت منازعه را در نصاب آموزشی ادارات و کارکنان امنیتی شامل نموده. بر



علاوه رهنمون های هماهنگی برای فعالیت ساختار های صلح ولسوالی ها تهیه گردید و برای بهتر فعالیت نمودن شبکه های صلح توزیع گردید. آکسفام پروژه های مشابه را با آموزش های روستای در آغاز کار در آفریقای شرقی ( تانزانیا، ایتوپیا و سودان) همچنان در مالی و نیگر در غرب آفریقا و در آفریقای جنوبی و امریکائی جنوبی تطبیق می کند.

تعداد برنامه های مؤثر اعمار صلح محلی در افغانستان تطبیق شده است. تاثیر این وابستگی به نحوه و تطبیق پروژه دارد، مثل محلی بودن آن و سایر فاکتور های دیگر می باشد. گرچه بعضی از نتایج با هم مشابهت دارد که قرار ذیل اند.

### حل منازعات

بیشترین تأثیر مستقیم کار اعمار صلح، حل تعداد زیاد منازعات می باشد. بطور مثال، یک سازمان اعمار صلح افغانی، انجمن همکاری برای صلح و همبستگی (کپو) موفقانه توانسته تعداد از منازعات را بین خانواده ها، گروه های محلی و قوماندانان حل نماید. بطور مشخص این سازمان توانسته منازعات عروسی، دشمنی های قومی طولانی مدت و دعوا های زمین و آب را حل نماید. مشابه به این کارمندان دفتر آکسفام در دو ولسوالی شمال شرق بدخشان دریافتند که خشونت در جریان کمتر از دو سال کار اعمار صلح بطور قابل ملاحظه کاهش یافته است. در خارستان ولایت بادغیس، رئیس یکی از شورا های صلح گفتند که با استفاده از تحلیل منازعه و روش میانجیگری، توانستند منازعات طولانی مدت را حل نمایند.<sup>43</sup>

### کاهش خشونت

اعمار صلح واقعات خشونت را بطور چشمگیر کاهش داده. یک سازمان افغانی، بنیاد انکشاف سنایی، توانسته تعداد زیاد منازعات خشونتبار را حل نماید، بشمول یک منازعه 25 ساله ولایت فراه بین دو همسایه و احزاب شان که باعث مرگ 8 نفر گردیده بود. در ولایت بادغیس دو گروه که باهم از سال 1990 دشمنی داشتند، باعث قتل 30 نفر گردیده بودند. سازمان انکشافی سنایی برای اولین بار هر دو گروه با هم یکجا ساخت و کار صلح را شروع نمود، که بعداً گروه های مخالف بیان گفتند اگر این فرصت قبلاً به آنها داده میشد شاید می توانستند از قتل 30 نفر جلوگیری میگردند.<sup>44</sup> یک ارزیابی مستقل از کار ( اس دی او) در غرب افغانستان نشان میدهد که در یک زمان کوتاه مدت دست آورد های زیاد داشته است. نتیجه و تأثیر مشخص داشته.<sup>45</sup> ارزیابی کننده گان دریافتند، در ابتدا اگر تردید ها از بین بیرون، شورا های صلح جدید، ساختار، سیستم و مکانیزم های تنظیم شده دارند و می توانند استراتژی های وقایوی و حل منازعات شانرا تطبیق نمایند.<sup>46</sup>

### کاهش خشونت های خانواده گی

شواهد قوی وجود دارد که برنامه های اعمار صلح رفتارها را نسبت به زنان تغییر داده و خشونت های خانواده گی را کاهش داده است. بطور مثال، یکی از شورا های سازمان انکشافی سنایی در ولایت بادغیس توانست سنت عروسی های اجباری را در محل شان خاتمه بدهند. و دیگری از این شورا ها لت و کوب زنان و اطفال را ممنوع قرار دادند.<sup>47</sup> با در نظر داشت اینکه این نوع عمل ها در افغانستان ریشه های عمیق دارد، این دست آورد ها نسبت به آن هیچ چیزی نیست. کپو همچنان دریافتند که برنامه های شان خشونت های خانواده گی را کاهش داده است. بطور مشخص حل نمودن قضیه های انفرادی تأثیر زیاد در محل داشته است.

### کاهش خشونت بین اطفال

تعلیمات صلح در آوردن صلح بین اطفال و نوجوانان کمک کرده است. بطور مثال، بنیاد انکشاف سنایی نصاب تعلیمی صلح را از صنف اول الا 12 تهیه نموده که شامل دوره ابتدایی، متوسطه و لیسه میگردد و آموزش صلح را در تمام برنامه های انکشافی شان شامل نموده اند. فعلاً آموزش صلح شامل نصاب تعلیمی ملی هم می باشد.

### رشد ارتباطات اجتماعی

برنامه های اعمار صلح در افغانستان برای تقویت ارتباطات و وحدت محلات کمک کرده است. در حالیکه کمتر می تواند مشکلاتی را که از چندین سال و یا دهه باقی مانده نابد سازد. همچنان برای رشد درک بین گروه های مختلف نژادی، مخصوصاً در ساحات که یک گروه نژادی در اقلیت قرار دارد کمک کرده است، این خشونت

را کاهش داده و مفاهمه را افزایش داده. بطور مثال، ملاقات اعضای یک شورا برای چندین روز از یک محل نژادی دیگر برای تقویت ارتباطات بین هزاره ها و پشتون ها کمک کرده است.

### پاسخ قویتر به تحدید ها و واقعات بیرونی

اعمار صلح محلات را قادر ساخته تا در مقابل مداخلات ملیشه ها مقاومت نمایند. بطور مثال شورای صلح تاسیس شده توسط کیو، در یکی از ولسوالی های ولایت وردک مردم محل را کمک کرد تا در مقابل ملیشه ها ایستاده شوند و توانستند برای چندین ماه از تسلط پیدا کردن ملیشه ها محل را نجات بدهند. متصفانه، بخاطریکه ملیشه ها ساحه اطراف شانرا تحت کنترول داشت نتوانستند مقاومت را حفظ نمایند، لیکن می تواند نشان گر این باشد که تا چه حد کار وسیع اعمار صلح می تواند مؤثر باشد، مخصوصاً اگر این کار هماهنگ با سایر معیار های دیگر انجام شود مثل تقویت و رشد پولیس محلی و حکومتاری مؤثر است.

اعمار صلح همچنان محلات را در پاسخگوی مسالمت آمیز با واقعات بیرونی کمک کرده است، واقعات که ممکن بود باعث خشونت گردد. بطور مثال، شورا های تاسیس شده دفتر کیو توانستند نقش ارزنده ی را در تأمین صلح بازی نمایند، زمانیکه مردم میخواستند به چاپ کارتون حضرت محمد (ص) در ماه فورری سال 2006 پاسخ بگویند.

### توسعه فعالیت های انکشافی

حل منازعات بزرگ می تواند محیطی را ایجاد نماید که کاری انکشافی صورت بیگیرد. در یک از ولسوالی های ولایت وردک، کار کیو توانست کمک کند تا دشمنی طولانی را بین دو قوماندان خاتمه دهد، دشمنی که باعث منع انتقال کمک های بین المللی برای چندین سال گردیده بود. در یک قضیه یی دیگر قبل از انتخابات ملی، شورا های محلی در ولایت بدخشان پروسه آگاهی عامه را تسهیل نمودند، در حالیکه این نوع فعالیت ها قبلاً با مشکل مواجه شده بود.

### شامل سازی موفق دوباره عودت کننده گان

اعمار صلح شامل سازی دوباره عودت کننده گان را کمک کرده است. بطور مثال، به یک تعداد از ساحات دفتر کمک مهاجرین ناروی با مهاجرین و بیجا شده گان بخاطر حل منازعات شان کمک کرده است. سازمان انکشافی سنایی که توسط کمیشنری عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین تمویل گردیده بود، توانستند پروژه کمک رسانی به عودت کننده گان را در دو ولسوالی کابل تطبیق نماید.

### کاهش بیداد گری

اعمار صلح ظرفیت محلات را برای کاهش دادن اثرات ظلم تقویت نموده است. بطور مثال، در ولسوالی جاغوری هزاره جات، ساختار های قوی محلی با ارزش ها و استراتیژی های مشترک در تأمین صلح، توانستند اثرات اشغال طالبان را بطور چشم گیر کاهش بدهند، مثل حفاظت زنان، حفظ تعلیمات ابتدایی برای دختران، و حفظ وحدت اجتماعی<sup>48</sup> از جمله کار های آنهاست.

### اعمار صلح محلی در افغانستان

بخش ذیل بعضی از فعالین که در اعمار صلح محلی در افغانستان مصروف هستند را معرفی می نماید<sup>49</sup>. این بخش تعریف نیست بدون شک سازمانهای وجود دارد که کار مشابه را انجام میدهد و یا هم در بعضی موارد نقش تسهیل کننده را در برنامه همبستگی ملی دارند.

### انجمن همکاری برای صلح و همبستگی (کیو)

(کیو) یکی از سازمانهای رهبری کننده در اعمار صلح محلی در افغانستان است.<sup>50</sup> این سازمان ظرفیت ساختار های محلی موجود و یا نو تاسیس را به شکل ابتدایی تقویت می کند تا اینکه نهاد ها بتوانند منازعات را حل نمایند و صلح را رشد بدهند. راهکار عملی این سازمان برای اعمار صلح نظر به یک ضرورت و راه حل طولانی است. نظر با اینکه اعمار صلح و رشد عدالت اجتماعی، سعی دوامدار را برای انکشاف و تقویت میکانیزم محلی که بتواند به خشونت پاسخ گو باشد لازم دارد. (کیو) به این باور است یک راهکار مشارکتی مردمی ضرورت است تا اعضای جامعه برای تحلیل ریشه های مشکلات شان قادر شوند و راه حل های مؤثر را

پیدا نمایند. این سازمان در مجموع 76 کارمند اعمار صلح دارد که تنها شش کارمند در دفتر مرکزی کابل کار می کند و مقدار بودیجه این سازمان برای فعالیت های اعمار صلح برای سال 2008 \$800000 است.

راهکار (کیو) شامل فعالیت های عمده ذیل می شود. شناسایی همکاران برای صلح بطور مثال، گروپ های جوانان، شورا ها، شورای های انکشافی، مکاتب، شورای های ولایتی را شناسایی نموده اند و برای ایجاد روابط همکاری کار نموده اند.

کارمندان این سازمان برنامه های ظرفیت سازی را از طریق تدویر ورکشاپ های محلی آموزشی تطبیق و تهیه و تطبیق پلان های صلح را حمایت میکند. با استفاده از یک رهنمون جامع، تدریس صلح در محلات، بازدید های تبدیلی بین نژاد های مختلف، تنظیم ملاقات های سیاحتی و سعی برای تقویت کار جامعه مدنی را حمایت میکند. فعالیت های ظرفیت سازی (کیو) شامل مفاهیم ضروری صلح، تحلیل مهارت های صلح و انکشاف میشود مثل: افهام و تفهیم، مذاکره، میانجیگری و استراتژی های مثل مدیریت منازعه.

### بنیاد انکشافی سنائی

بنیاد انکشافی سنائی (اس دی او) راهکار مشابه نسبت به (کیو) دارد و کار موفق را در تأسیس نمودن 88 شورای صلح در 8 ولسوالی چهار ولایت افغانستان انجام داده است. که این شورا ها روی ظرفیت سازی ساختار های محلی برای حل منازعات و رشد صلح کار می کنند. کارمندان این سازمان همچنان ورکشاپ های اعمار صلح را تطبیق میکنند، مجله صلح را بطور ماهوار به نشر می رسانند و تعلیمات صلح را رشد میدهند. بنیاد انکشافی سنائی 15 کارمند در بخش اعمار صلح دارد و بودیجه فعالیت های اعمار صلح این سازمان در سال 2007 \$34000 بوده است

ارزیابی کننده گان میگویند که، این یک ابتکار خلاق برای حمایت و قادر ساختن محلات است، چیزی که واقعاً توسط همکاران و محلات خواسته می شود (...). واضح است که این ساحه ای کاری است که مردم به ضرورت شان قاطع است. (...). مردم گفته اند که آنها کار های اضطراری را نمی خواهند لیکن کاری که بتواند وسیله های انکشافی شان را حمایت نماید ترجیح میدهند.<sup>51</sup>

### آکسفام - افغان اید

با همکاری افغان اید، آکسفام یک برنامه بزرگ اعمار صلح محلی را در ولایت بدخشان تطبیق نمود. این برنامه شش بار آموزش های اعمار صلح را برای کارمندان برنامه و سایر افراد مهم جامعه ارائه نموده است این برنامه همچنان کمیته های حل منازعه را تأسیس نموده که نزدیک با ساختار های اعمار صلح محلی و مدیریت منازعه کار می کنند. از آغاز کار ابتدایی شان تا به حال در حدود 40 گروه هدف را آموزش داده اند به تعداد سه هزار نفر مستقیماً و بیشتر از 17 هزار نفر غیر مستقیم مستفید شدند. در نتیجه روستا ها فعلاً برای مدیریت و حل منازعات بهتر مجهز شده اند و می توانند برنامه های صلح و انکشافی شان را به پیش ببرند. نظر به رهنمون صلح و مدیریت منازعه مشترک بین آکسفام و اکشن اید، یک دوره جدید آموزش برای کارمندان برنامه همبستگی ملی توسط آکسفام تطبیق میگردد.

### دفتر ارتباط اقوام

دفتر ارتباط اقوام (تی ایل او) در سال 2003 تأسیس گردید و در ولایات لوگر، کابل کندهار، هلمند و ارزگان کار می کند. رسالت دفتر هماهنگی قومی حمایت از ساختاری های قومی، تسهیل نمودن یکجا سازی رسمی جوامع و ساختاری های سنتی نظر به چارچوکات حکومتداری افغانستان برای ارائه خدمات بهتر می باشد.<sup>52</sup> دفتر هماهنگی قومی همچنان برای رشد گفتگو و همکاری بین قبایل با دولت، ظرفیت سازی شورا ها، رشد صلح و امنیت تسهیل پروسه باز سازی و انکشاف، ارتقا و درک ساختار های قبایل کار میکند

### مرکز رشد استعداد ها زنان افغان

این مرکز در سال 1999 توسط زنان ایجاد گردید تا رنج های زنان و اطفال را از طریق رشد صلح و آگاهی دهی در مورد حقوق بشر کاهش بدهد. با حمایت (توروکایر) و با همکاری (کیو) و (اس دی او) این مرکز برنامه های را بخاطر تأسیس و حمایت شش کمیته صلح با یک شورای مرکزی زنان در دو ولسوالی ولایت پروان تطبیق نموده است. این برنامه روی ثبات اقتصادی زنان منحصیث یک وسیله ای که بتواند خشونت را کاهش بدهد همچنان کار میکند.

## کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین

فعالیت های همزیستی ( یو این اچ سی آر ) شامل پروژه های مشارکتی کمک به مهاجرین و بیجا شده گان و شامل سازی آنها با جوامع می شود.<sup>53</sup> این پروژه ها همچنان ساختار های محلی را تقویت می کند، مالکیت گروهی را در پروژه ها رشد می دهد، و با حکومت محلی و سایر فعالین کار می کند. که شامل نظارت، ظرفیت سازی، آموزش صلح، ایجاد اتحادیه های حفاظتی (شبکه)، مداخلات مستقیم میانجگری و دادخواهی می شود. هر قضیه با تحلیل وسیع منازعه و ارزیابی ضرورت های مشارکتی کار شده است.

### دفتر مهاجری ناروی، خدمات انکشافی آلمان، یو نیسیف و یو ان هبیتات

دفتر مهاجرین ناروی (ان آر سی) طوریکه در بالا ذکر شد 8 مرکز معلوماتی و کمک های حقوقی را برای مهاجرین تأسیس نمود. این مراکز به مهاجرین یا بیجا شده گان کمک ارائه می کند و یا برای حل منازعات کمک می کند. ظرفیت دهات را بخاطر حل چنین منازعات رشد می دهد. تیم های سیار همچنان در سایر ولایات کار می کنند. برنامه خدمات صلح ملکی دولت آلمان رسانه ها و سازمانهاییکه روی آموزش صلح و حل منازعات کار می کنند کمک می کند. جدا از این ( یو نیسیف) با وزارت تعلیم و تربیه برای تأسیس یک مرکز تعلیمات صلح کار می کند و تهیه مطالب اعمار صلح را برای نصاب تعلیمی کمک کرده است. یو ان هبیتات همچنان اعمار صلح را در برنامه های بازسازی محلات شان شامل ساخته است.

### مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما)

مجما اولین نهاد جامعه مدنی افغانستان در آخر سال 2001 در آلمان به وجود آمد، مجما یک سازمان چتر و متعهد است که مشارکت فعال جامعه مدنی را از طریق برنامه های آموزش مدنی، دادخواهی، مصالحه، صلح و ظرفیت سازی تشویق نماید. در سال 2006 مجما برنامه ظرفیت سازی صلح را برای 24 سازمان همکار که در تمام کشور فعالیت دارند تطبیق نمود. در سال 2007 این سازمان ها ورکشاپ های اعمار صلح را در 14 ولایات مختلف بشمول ولایت هلمند، نیمروز، پکتیا در 2 ولسوالی هر ولایت تدویر نمودند.

### شبکه صلح سازمانهای جامعه مدنی افغانها

شبکه صلح سازمانهای جامعه مدنی افغانها (اکسون) در جنوری سال 2005 تأسیس گردید. اهداف و فعالیت ابتدایی این شبکه ایجاد هماهنگی بین سازمانهای که در کار اعمار صلح در افغانستان مصروف اند و تدویر برنامه های اعمار صلح بخاطر رشد فرهنگ صلح می باشد.

### اعضای فعلی این شبکه قرارذیل اند:

- مجتمع جامعه مدنی افغانستان (ACSF)
- موسسه تشویق صلح و دیموکراسی (APDA)
- مرکز رشد استعداد های زنان افغان (AWSDC)
- بنیاد وحدت جوانان افغان (AYFU)
- مرکز تعاون افغانستان (CCA)
- انجمن همکاری برای صلح و همبستگی (CPAU)
- مرکز تعلیمی و تربیوی برای زنان و دختران بی بضاعت افغانستان (ECW)
- مدیوتیک افغانستان (Mediothek)
- بنیاد انکشافی سنایی (SDO)
- مرکز آموزشی حقوق بشر برای زنان افغان (THRA)

در تاریخ 20 جون سال 2006 ( اکسون) روزی صلح را در بیشتر از 30 ولایات افغانستان تجلیل نمود که بزرگترین کمپاین صلح را توسط جامعه مدنی تشکیل میداد. ( اکسون) همچنان روز بین المللی صلح را در دسمبر سال 2007 تجلیل نمود که در تمام ولایات افغانستان به استثنای زابل و نورستان صورت گرفت.

## بسوی یک استراتژی ملی

این واضح است که اعمار صلح در افغانستان برای رشد صلح، ثبات و محیط که انکشاف را رشد میدهد بسیار مؤثر است، گرچه یک تعداد بسیار کمی از افغانها که شاید کمتر از یک در صد باشند از کار صلح در افغانستان مستفید میشوند. کار اعمار صلح بین سازمانهاییکه در این کار مصروف اند، تا به حال نا معلوم، پراکنده، نا هماهنگ و کم تثبیت شده است، و این هم شاید بخاطر کم بود وقت، عدم امکانات و عدم رقابت بین تمویل کننده گان که پروژه های اعمار صلح را تمویل می نمایند باشد.

از اینرو برای تمویل کننده گان ضروری است که بیشتر از برنامه های اعمار صلح که افغانهای زیاد را مستفید می سازد حمایت کنند. و باید ظرفیت ها را رشد بدهند، فعالیت های اعمار صلح سازمانها، باید توسعه یابد و بخش های صلح پروری سازمانهای بزرگ حمایت گردد. در قدم نخست تمویل کننده گان باید ظرفیت سازمانها را برای توسعه کار شان ارزیابی نماید.

این همچنان برای ( این جی او ها) و سایر فعالین جامعه مدنی که در کار اعمار صلح مصروف اند ضروری است تا کاری انکشاف و تطبیق یک استراتژی ملی را برای اعمار صلح محلی رهبری نمایند.

طوریکه قبلاً در این اسناد بحث شد. عوامل منازعه، خشونت و ارتباط شان با هم بدون شک بین زون ها و جوامع فرق دارد. اینکه اعمار صلح مؤثر باشد باید مطابق وضعیت روستا ها انتخاب گردد و باید توسط مردم محل به پیش برده شود. یک استراتژی ملی تنها در مورد منازعه بحث نمی کند بلکه در سطح ولایات انعطاف پذیری دارد و پروژه ها را مطابق محلات عیار میسازد. بیشتر از این استراتژی در سطح ملی است و یک پوشش بزرگتر را در جوامع افغانستان تنظیم میکند، بهترین تجارب را شریک می سازد، میزان استاندارد را بلند می برد، سطح آگاهی را رشد میدهد، موضوع اعمار صلح را در ساختار های دولتی شامل می سازد و هماهنگی را بین تمام فعالین مرتبط توسعه میدهد.

اولین قدم برای تهیه یک استراتژی ملی می تواند تدویر یک کنفرانس ملی باشد. و اشتراک کننده گان این کنفرانس می تواند متخصصین، ( ان جی او) هایکه در کار اعمار صلح مصروف اند چه در داخل و یا خارج، مقامات دولتی، اعضای پارلمان، نماینده ملل متحد و غیره باشند. هدف این کنفرانس می تواند تهیه یک چهار چوکات وسیع برای استراتژی ملی و تأسیس یک بورد رهبری باشد، ترجیحاً اعضای این بورد میتواند از دولت، جامعه مدنی، اکادمیسین ها و نهاد های مذهبی باشد که بتوانند از انکشاف و تطبیق استراتژی نظارت کنند.

این کنفرانس ملی می تواند با کنفرانس های دیگر در سطح ولایات تعقیب گردد، تا تطبیق استراتژی را در وضعیت ولایات بررسی نمایند و بورد های رهبری مشابه را در سطح ولایات تأسیس کنند. که بعداً این کنفرانس های ولایاتی می توانند نماینده های شان را برای یک کنفرانس نهایی به کابل بفرستند تا استراتژی ملی را تصدیق و نهایی سازند. لهذا یک چارچوکات سراسری جامع با دیدگاه های مختلف از ولایات تهیه میگردد و نکات مهم استراتژی می تواند شامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان گردد. ( استراتژی کاهش فقر) که قرار است در سال 2008 نهایی گردد.

توجه بیشتر برای حمایت و توسعه شبکه صلح افغانها که متشکل از (ان جی او) ها و جامعه مدنی می باشد، لازم است. این شبکه می تواند نقش بزرگ را در پیش برد توسعه بازی نماید. با حمایت زیاد امکان تبدیل شدن این شبکه به یک حرکت ملی وجود دارد. ایده این کار را میتوان از کار آکسفام در آسیای جنوبی گرفت. بطور مثال: کمپاین (ما میتوانیم) که برای بسیج نمودن تعداد زیاد مردم کار می کند.

عناصر مهم استراتژی ملی صلح می تواند شامل، ظرفیت سازی، تعلیم صلح، رشد سطح آگاهی، شامل سازی، گزارش دهی، تحقیق، جمع آوری معلومات، نظارت و هماهنگی با ساختار های دولتی باشد.

### ظرفیت سازی دوره بی

یکی از کار های بورد رهبری ملی می تواند تهیه و تصدیق یک رهنمون آموزشی جامع از مواد های موجود در مورد صلح باشد و متخصصین اعمار صلح سازمانها را برای آموزش دادن آموزگاران حمایت نماید. این

آموزگاران در سطح ولسوالی فعالیت نمایند و بطور سلسله ای سایر آموزگاران را آموزش بدهند. به همین شکل برنامه اعمار صلح با افزایش ظرفیت سازان در مدت تعیین شده توسعه پیدا میکند.

به شکل تخمینی، برنامه امکان دارد در مدت 5 سال در سراسر افغانستان معرفی گردد، تقریباً 400 ولسوالی در افغانستان وجود دارد. برنامه در سال اول می تواند در 60 ولسوالی معرفی گردد و در 70، 80، 90 و 100 ولسوالی دیگر می تواند در سال های بعدی بطور مسلسل معرفی گردد. (شاید امکان این نباشد که برنامه در سمت جنوب و در جائیکه جنگ شدید جریان دارد معرفی گردد) با در نظر داشت اینکه 34 ولایت با تعداد ولسوالی های مختلف وجود دارد، این معرفی برنامه را در هر سال به یک الی سه ولایت ممکن می سازد. در قدم اول وضعیت امنیتی ولسوالی باید تحلیل گردد تا اولویت ها، فرصت ها و کار اعمار صلح شناسائی گردد، این بشکل جداگانه، نقشه کردن منازعه، بررسی و یا تحقیقات ابتدایی یاد می شود. نخست برنامه در هر ولسوالی بشکل محدود معرفی گردد و بعداً به مرور زمان توسعه یابد.

اهداف مهم ظرفیت سازی می تواند شامل نکات ذیل گردد:

**نهاد های محلی:** (شورا های صلح در قریه های بزرگ و کوچک، شورای های انکشافی، شورا های ولسوالی و شورای های ولایتی)  
**جامعه مدنی:** (سازمانهای محلی، گروه های جوانان و زنان، رهبران مذهبی، شبکه های محلی و ملی با حمایت شبکه های بین المللی)  
**اشخاص انفرادی کلیدی:** (بزرگان محل و ملاها)  
**مقامات:** (مقامات دولتی در سطح ولسوالی و ولایت مخصوصاً ولسوال و پولیس ملی افغانستان بویژه در سطح ولسوالی).

بعضی سازمانها مثل (اس دی او) و اکسفام آموزش های اعمار صلح را شامل شورای های انکشافی ساخته است این می تواند یک مورد برای شامل سازی رسمی آموزش اعمار صلح در چنین شورا ها باشد. در چارچوکات برنامه همبستگی ملی<sup>54</sup> اهداف مهم می تواند همچنان ظرفیت سازی ساختار های موجود باشد تا آنها بتوانند نقش های اضافی را برای تأسیس شورا های صلح و کمیته های انکشافی بازی نمایند.

این پروژه می تواند به شورا های که در سطوح مختلف محلات تأسیس می گردد تکرار گردد. تا آنها بتوانند منازعات را بین اقوام و دهات حل نمایند. قانون اساسی افغانستان تأسیس شورا های ولسوالی را بیان نموده است و این ساختار ها امکان دارد که نقش اعمار صلح را بازی کند.

### راهکار مشارکتی، جامع و انعطاف پذیر

این راهکار می تواند برای دراز مدت ظرفیت ها را در مورد اعمار صلح و مدیریت منازعه از طریق تدویر آموزش مشارکتی و تدویر ورکشاپ در مورد موضوعات مهم، ملاقات های معلوماتی از برنامه های موجود، آموزش دهی انفرادی، تطبیق برنامه های صلح رشد بدهد. برنامه ها باید پاسخ گوی مشکلات باشد تا اینکه از قبل تهیه شده باشد و باید انعطاف پذیری داشته باشد تا بتواند مطابق وضعیت محلات تطبیق گردد، نسبت به اینکه ارزش ها و یا پروژه های از قبل تهیه شده تحمیل گردد، این برنامه، تحلیل خودی را تشویق می نماید و توجه بالای ظرفیت سازی سرمایه های انسانی دارد.

برنامه ها تا حدی ممکن، جامع است، بویژه در مورد شامل سازی زنان، این امکان دارد که در بعضی نقاط افغانستان مخصوصاً در جنوب افغانستان با چالش مواجه گردد. و میتوان یک استراتژی برای ظرفیت سازی و مصون ساختن مشارکت زنان تهیه گردد. جائیکه مشارکت زنان در شورا ها منع قرار داده شده است، میتوان گروه های صلح زنان تأسیس گردد. طوریکه توسط (مرکز رشد مهارتهای زنان) تطبیق شده است. و گفتگو ها را با اشخاص متنفذ محل آغاز کردند. نظر به تجارب گذشته توجه بیشتر باید صورت گیرد که این نوع گروه ها نقش مرکزی در صلح محلی و انکشاف دارند و روابط قوی با نهاد های دیگر هم دارند.

آموزش جندر می تواند شامل برنامه های اعمار صلح گردد تا مشارکت زنان در برنامه های آینده تقویت گردد، در حین زمان آموزش اعمار صلح می تواند از طریق بدیل های مختلف برای زنان داده شود، مثل از طریق رسانه ها، کار های مسلکی، سواد آموزی و تربیه معلم که تماماً تا به حال موفق تثبیت شده.<sup>55</sup>

استراتژی های مشارکت زنان را میتوان نظر به تجارب سایر کشور هائیکه کار گروپ های زنان موفق بوده مثل یوگاندا و سودان تهیه نمود.

ضمناً برای شامل سازی رهبران مذهبی محلات کوشش صورت گیرد چرا که رهبران مذهبی نفوذ و صلاحیت قابل توجه در محل دارند و همچنان جوانان که اکثریت نفوس افغانستان را تشکیل میدهد باید شامل برنامه گردند.

## تعلیم و تربیه

یک تعداد از سازمانها قبلاً کورس های آموزشی صلح را برای اطفال تأسیس نموده اند، (کمپو) و (اس دی او) بخصوص یک نصاب تعلیمی کامل را از صنف 1-12 تهیه نموده اند که این همچنان در پاکستان امتحان شده و فعلاً منحیث مدد درسی در بیشتر از صد مرکز تعلیمی در ولایات کابل و غزنی تدریس می گردد.

سازمان انکشافی (جی تی زید) شامل سازی موضوع اعمار صلح را در نصاب تعلیمی ملی تسهیل نموده است. باید برای این معیار های تهیه گردد تا موفقیت آنرا در عمل ارزیابی نماید. و میتوان یک گروپ متشکل از متخصصین اعمار صلح و دانشمندان را تأسیس نمود تا در تدریس مؤثر مضمون اعمار صلح همکاری نموده و در آموزش معلمین شامل گردد.

## رشد آگاهی عمومی و خصوصی

بخاطر رشد سطح آگاهی مردم، کارمندان دولتی و نماینده گان انتخابی مردم میتوان کمپاین آگاهی دهی مثل، نشریه، براه اندازی محافل و سایر فعالیت ها را در سطح ملی و ولایتی تنظیم نمایند. این کمپاین می تواند روی اهمیت صلح تأکید و مشارکت تمام مردم را تشویق نماید.

بطور جداگانه، قسمت از استراتژی می تواند راه های مؤثر افهام و تفهیم را بین شورا ها و سایر نهاد هائیکه در کار صلح مصروف اند جستجو نماید تا اینکه آگاهی را در مورد موضوعات خاص رشد بدهد<sup>56</sup>

## شامل سازی

پروژه های تهیه گردد تا اعمار صلح را در سکتور های مرتبط دولت شامل سازد بویژه برنامه هائیکه با حکومتداری ربط دارد و همچنان در برنامه های ملی مثل برنامه های اولویت ملی و برنامه همبستگی ملی شامل گردد. در هر پروژه و ریاست های مرتبط دولت، در سطح ملی، ولایتی و ولسوالی، باید یک شخص ارتباطی با وظایف و مسؤلیت های مشخص که بتواند اعمار صلح را رشد بدهد وجود داشته باشد.

## گزارش دهی، تحقیق، جمع آوری معلومات و نظارت

برای این کار می توان یک دفتر جدید را تأسیس کرد و یا ( میتوان یک بخش کمیسیون مستقل حقوق بشر باشد) با مسؤلیت که از نتایج کار شورا ها و مطابقت آن با قانون اساسی افغانستان و قوانین بین المللی حقوق بشر نظارت کند. باید نظارت دقیق از فعالیت های خوب و بد صورت گیرد و یا فعالیت های که باعث تبعیض علیه زنان می شود، و باید این با هماهنگی دولت صورت گیرد تا دولت بتواند از سوء استفاده ها جلوگیری نماید.

یک دفتر جداگانه ممکن است تأسیس گردد و با یکی از انستیتوت های تعلیمی ارتباط داده شود مثل دانشگاه کابل و یا یک مرکز تحقیقی مثل واحد ارزیابی و تحقیق افغانستان، که بتواند معلومات را در مورد کار اعمار صلح محلی جمع آوری نماید، از پیشرفت کار نظارت کند، موفقیت ها را ارزیابی نماید و کار های عملی را پیشنهاد نماید. و این دفتر بطور ترجیحی یک نماینده گی کوچک در هر ولایت داشته باشد که با بورد رهبری ولایتی نزدیک همکاری باشد، و ارتباطات بین این دفتر تحقیقی با اکادمی های بین المللی و مراکز تحقیق اعمار صلح تأسیس گردد.

## هماهنگی با نهاد های دولتی

رهنمون رسمی تهیه گردد تا نقش عدالت غیر رسمی را واضح سازد. یک گزارش اخیر برنامه انکشافی ملل متحد موجودیت میکانیزم های غیر رسمی را برای حل منازعات در کشور های بعد از جنگ مهم ارزیابی نموده است، مثل مؤثریت آنها حل کردن منازعات بطور مسالمت آمیز است و در غیر صورت منازعات می تواند باعث خشونت گردد. این گزارش همچنان می نویسد که شامل شدن میکانیزم عدالت غیر رسمی بخاطر دستیابی

مردم فقیر به عدالت مهم است، و این می تواند یک بخش از استراتژی عدالت عمومی که هم شامل بخش های رسمی و غیر رسمی می گردد باشد.<sup>57</sup>

بطور مشخص برنامه انکشافی ملل متحد اخیراً یک مدل عدالت مردمی را پیشنهاد کرد، جائیکه ارتباطات بنیادی بین میکانیزم های عدالت رسمی و غیر رسمی وجود دارد.<sup>58</sup> این می تواند در حال حاضر مؤثر باشد گرچه در پراگندگی و نا هماهنگی وجود دارد این می تواند از سوء استفاده های مثل (بد دادن) جلوگیری کند، که در یک نظام غیر رسمی واقع می شود. طوریکه دولت افغانستان در ماه جنوری سال 2008، بیان داشت: جرگه و شورا های افغانستان با حمایت و نظارت سیستم رسمی می تواند بطور مؤثر و مناسب مطابق به قانون اساسی افغانستان منازعات را حل نماید.<sup>59</sup>

ضرورت است رهنمون تهیه گردد تا ارتباطات را بین شورا ها صلح محلی و نهاد های دولتی موجود و آینده تنظیم نماید این همچنان می تواند راهکار را تعیین نماید که موضوعات چه وقت و چطور به حکومت محلی، نهاد های سیاسی و قضائی راجع گردد. و موضوع عدالت غیر رسمی همچنان باید در رهنمون واضح گردد.

با در نظر داشت عدم آگاهی نهاد های دولتی محلی از وظایف و مسولیت های شان، توسعه می گردد تا قسمت از این رهنمون را بخاطر تهیه یک استراتژی آگاهی دهی برای کارمندان دولتی اختصاص داده شود.

### تعهد تمویل کننده گان و دولت افغانستان

استراتژی باید شرح تعهدات لازم تمویل کننده گان و دولت افغانستان را برای بدست آوردن اهداف استراتژی هم شامل بسازد. تمویل کننده گان باید آماده شوند که تعهدات دراز مدت را برای تطبیق پروژه های اعمار صلح و عناصر مختلف استراتژی قبول نمایند، بطور مثال استخدام متخصصین اعمار صلح بخاطر ظرفیت سازی و یا تأسیس یک دفتر تحقیق و نظارت. دولت افغانستان بخصوص وزارت های مربوطه باید استراتژی را تصدیق و حمایت لازم را نمایند.

## چالش ها

هیچ شکی وجود ندارد که چالش های فراوان برای بدست آوردن حمایت و تطبیق یک استراتژی به وجود آید. که قرار ذیل، شرح داده شده است

### نتایج غیر قابل لمس

این مشکل است که نتایج اعمار صلح را اندازه و یا نشان داد. با توجه به اینکه کار اعمار صلح روی سرمایه های اجتماعی است نه بالای سرمایه های مادی و این غیر ممکن است از منازعات که جلوگیری شده است برایش معیار تعیین نمود. و این می تواند بالای کمک ها تأثیر کند. تمویل کننده گان نتیجه قابل لمس نمی داشته باشند که برای مردم عادی نشان بدهد، گرچه تحقیقات از منازعات گذشته و حال، تا حدی معلومات را برای تحلیل ارائه می کند. باید سعی و دادرخواهی بخاطر تشویق دهنر ها و اهمیت کار اعمار صلح با استفاده از تجارب داخلی و خارج منحصیث شواهد صورت گیرد.

### مداخله دولت

این کار را نمیتوان (پی آر تی) و یا نیرو های امنیتی دولتی انجام داد، با در نظر داشت دیده گاه های فعلی مردم از کارمندان حکومت، مالکیت استراتژی باید وسیع باشد تا اینکه تنها یک برنامه دولتی محسوب نگردد. هیچ نوع مداخله نیرو های امنیتی ضرورت نیست. فعالیت های موجود اعمار صلح در افغانستان توسط یک سلسله از فعالین مختلف با هماهنگی جامعه مدنی و کارمندان دولتی انجام می شود. هیچ دلیلی دیگر وجود ندارد که چرا این استراتژی تهیه نگردد، استراتژی که توسط دولت افغانستان تصویب گردد و یک پوشش ملی داشته باشد.

### جنر

طوریکه در بالا واضح شد امکان چالش های زیاد برای شامل سازی زنان در برنامه اعمار صلح وجود دارد و تضمین اینکه؛ کار اعمار صلح از خشونت های خانواده گی جلوگیری می کند. این سد راه حقیقت می شود که این برنامه شامل ظرفیت سازی نهاد های اجتماعی موجود می شود تا اینکه قشر جدید از ساختار ها را تأسیس نماید.



گرچه برنامه های موجود سازمان های غیر حکومتی توانسته موفقانه شامل سازی زنان را در اعمار صلح رشد بدهد، لهدا، ميتوان اين تجارب را تکرار نمود، با در نظر داشت اینکه برنامه های اعمار صلح رفتار ها را نسبت به زنان تغيير ميدهد، سوء استفاده و خشونت را کاهش ميدهد. اين نتيجه را ميرساند که ساير وسايل مثل آموزش جندر برای شورا های موجود و راهکار های بدیل، فرصت ها را برای اشتراک زنان در اعمار صلح همزمان با انکشاف برنامه توسعه ميدهد.

نظر به استراتیژی ملی، هر میکانیزم نظارتی که تأسیس می گردد باید مسؤلیت ابتدایی شان نظارت از شامل سازی زنان در برنامه های اعمار صلح باشد. بطور مشخص آنها جائیکه زنان از برنامه ها خارج می شوند باید شناسائی نماید و پیشنهادات اصلاحی را بخاطر اجرا پیشنهاد نماید. مثل تأسیس شورا های زنان، رشد و آگاهی رساندن بخاطر بهتر شدن فعالیت ها صورت گیرد.

## خوابکاران

امکان این وجود دارد که اشخاص قوی مثل جنگ سالاران، قوماندانان، سیاستمداران، برداشت نمایند که کار اعمار صلح یک تهدید به موقف شان است و شاید کوشش کنند که در برنامه نفوذ داشته باشند و کار را معطل سازند. گرچه برنامه های موجود قادر شده است که با استفاده از استراتیژی های مختلف بالای مشکلات غالب شوند مثل شامل شدن این اشخاص در برنامه های موجود و مواردی وجود دارد که جنگ سالاران تغییر یافته و یک نقش فعال را در اعمار صلح داشته اند و با نظر داشت اینکه در ابتدا برنامه در سطح محل آغاز می شود لهدا نباید این کار پیشنهاد شده منحيث یک تهدید بزرگ محسوب گردد.

## تنوع

با نظر داشت عوامل مختلف منازعه و تغيير جغرافیایی افغانستان، کار مؤثر اعمار صلح مطابق به وضعیت محل فرق می کند، گرچه استراتیژی ملی به یک چار چوکات توحيد شده نیاز دارد هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا انعطاف پذیری و تنوع محلات شامل استراتیژی نگردد. این می تواند حتی کار های عملی مؤثر را تسهیل نماید. مطابق به وضعیت و یا وضعیت امنیتی و فرهنگی تعهدات مختلف بین ولسوالی های و لایات برای تطبیق برنامه وجود داشته باشد اگر یک میکانیزم درست نظارت و ارزیابی تأسیس گردد می تواند جاهای که خلاء وجود دارد و یا ضعف در تطبیق برنامه است شناسائی نموده و بعدا به مورد رهبری ملی و یا ولایتی اصلاحات را پیشنهاد نماید.

## عدم همکاری ان تطبیق کننده و منابع بشری

همکاران تطبیق کننده شایسته و با تجربه در اعمار صلح کم است و در عموم منابع بشری شایسته و با تجربه وجود ندارد، گرچه (کمپو) و (اس دی او) یک یا دو سازمان دیگر تجربه نهادینه شده دارند و یا هم آگاهی و دانش که در مورد اعمار صلح می تواند برای تطبیق استراتیژی استفاده گردد وجود ندارد. متخصصین خارجی که بعضی شان قبلا در افغانستان کار کرده اند می توانند همکاری خوب در برنامه داشته باشند.

## امنیت، پوشش و مؤثریت

میزان نا امنی ها می تواند وسعت پروگرام را در جنوب و جنوب شرق افغانستان در هنگام تطبیق محدود سازد. گرچه در حال حاضر برنامه های اعمار صلح در مناطق نا امن تطبیق می گردد، نظر به این می توان گفت که برنامه ها به شکل امتیازی از طریق تکنیک های موجود مثل استفاده از سازمان های محلی همکار، شامل ساختن مردم محل و رهبران قومی، و نمایش دادن ارزش اعمار صلح با تطبیق برنامه در ساحات نا امن تطبیق کرد.

جدا از ساحات نا امن قبل از آغاز سراسری برنامه، بدون شک منازعات در مناطق تحت پوشش برنامه قرار ندارد واقع می شود، گرچه گروه های محلی می تواند جاهائیکه منازعات وجود داشته شناسائی و اولویت بدهد.

## آب و هوا و دسترسی

محدودیت های فزیکي در افغانستان شامل عدم دسترسی به ساحات دور افتاده و فرستادن امکانات به آن مناطق می شود که وقت گیر است، هوای سرد دهات از کار در جریان زمستان ممانعت ایجاد می کند. این ممانعت ها در بیشتر برنامه ها در افغانستان چه در سطح محلی و یا ملی وجود دارد. لیکن کمک مالی بیشتر تمویل کننده گان می تواند اثر این را کاهش بدهد، مثل تهیه نمودن ترنسپورت قابل اعتماد به ساحات دور دست.

## اختتام

شناسایی عاجل معیاری های موجود که تا به حال برای رشد صلح در افغانستان موفق نبوده لازم است. این تنها متأثر از رقابت طالبان نیست بلکه شرح حقیقت این است که کار کمی در این عرصه برای اینکه خانواده ها، جوامع، قبیله ها و بخش های بنیاد گرای جامعه افغانی با هم بهتر زنده گی کنند صورت گرفته است.

طوریکه سروی امنیتی آکسفام نشان میدهد اکثریت منازعات در افغانستان عوامل محلی دارد و حل مشکلات به نهاد های محلی و انفرادی ربط می گیرد. در حالیکه کار کمی در دهات انجام شده است، مخصوصاً برای توسعه توانایی شوراها که بتوانند صلح را رشد بدهند. کار صلح در سطح محلات، وحدت اجتماعی را تقویت می نماید خشونت را کاهش میدهد مقاومت مردم را در مقابل مداخله ملیشه توسعه میدهد.

یک سلسله کار های لازم است تا به یک صلح پایدار در افغانستان دست پیدا کرد، هماهنگ با معیار های رشد حکومتداری، انکشاف دهات و مسلکی سازی پولیس و نیرو های امنیتی، اعمار صلح محلی برای تکمیل نمودن این نوع استراتیژی ضروری است.

طوریکه اخیراً، گروه بحران بین المللی اظهار نمودند که جامعه جهانی باید بخاطر حل منازعات محلی و اشتباهات توجه نماید<sup>60</sup>.

تمویل کننده گان باید بطور مسلسل حمایت شان را برای ( ان جی او ) هائیکه در اعمار صلح مصروف اند افزایش بدهند. و یک استراتیژی ملی را برای اعمار صلح تهیه نمایند. که انعطاف پذیری داشته و توسط جامعه مدنی پیش برده شود. دولت افغانستان باید کاملاً از برنامه حمایت و همکار نماید، تمویل کننده گان کمک مالی دراز مدت را برای تطبیق استراتیژی محیا سازد. این برنامه باید 5 سال قبل شروع میشد در حالیکه سطح خشونت ها و نا امنی ها روز به روز توسعه می یابد و دیگر نباید وقت را از دست داد.

## ضمیمه 1- سروی امنیتی آکسفام

شکل 1- عوامل عمده نا امنی ها

ولایت	زمین	آب	منازعات فامیلی	در باره زنان	تفاوت های نژادی	تفاوت روستا ها	تفاوت های قبیله‌ای	قوماندانان	کمک ها	طالبان	و غیره
هرات	42	27	26	10	9	9	27	6	2	4	12
ننگرهار	39	33	28	9	3	3	0	2	4	1	15
بلخ	39	42	53	9	2	3	10	2	0	0	2
غزنی	65	59	43	16	6	0	5	7	5	9	2
دایکندی	52	49	12	0	2	7	8	4	0	0	4
کندهار	14	7	8	5	2	9	7	4	0	0	0

شکل 2: بزرگترین تهدید در نا امنی ها

ولایت	طالبان	نیروهای بین المللی	ارتش افغانستان	پولیس افغان	مقامات دولتی افغانها	جنگ سالاران	جنایتکاران	فاجعبران مواد مخدر	اعضای فامیل	محیط کاری	قبیله گرایبی	و غیره
هرات	13	14	7	7	5	12	24	17	3	2	4	3
ننگرهار	7	10	0	5	2	6	12	2	1	1	0	0
بلخ	11	10	1	4	0	1	1	0	1	1	0	0
غزنی	27	6	2	6	11	28	22	22	1	2	1	2
دایکندی	11	0	0	0	2	9	4	3	0	1	3	1
کندهار	12	4	4	9	6	16	4	1	0	1	0	0

شکل 3: میکانیزم های عمده برای حل منازعات

ولایت	شورا های محلی	شورا های انکشافی	شورا های قومی	شورای های مذهبی و بزرگان	محاکم	پولیس	ساختار های رسمی	نهاد های مدنی	قوماندانان	مقامات و ولسوال
هرات	0	3	5	4	17	22	0	3	8	39
ننگرهار	51	4	7	4	3	61	0	0	16	8
بلخ	54	3	17	3	1	30	0	0	3	8
غزنی	49	4	42	11	22	57	2	9	1	49
دایکندی	14	25	26	7	10	7	1	0	2	0
کندهار	5	0	6	10	6	1	3	0	0	0

## توضیح مراجع

- کمیسیون مستقل حقوق بشر (2006)، حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر.
- بنیاد آسیایی (2007)، افغانستان در سال 2007: یک سروی از افغانها، سن فرانسیسکو، سی آی: بنیاد آسیایی
- بنیاد آسیایی (2006)، افغانستان در سال 2006: یک سروی از افغانها، سن فرانسیسکو، سی آی: بنیاد آسیایی
- سازمان هماهنگی صلح و اتحاد (کپو) (2006)، راهکار کپو در اعمار صلح، کابل: سازمان هماهنگی برای صلح و اتحاد.
- سازمان هماهنگی صلح و اتحاد (2005)، درک نمودن صلح و اعمار صلح، کابل: سازمان هماهنگی برای صلح و اتحاد.
- سازمان هماهنگی صلح و اتحاد (2004)، پلان استراتژی یک 2004 – 2007، کابل: سازمان هماهنگی برای صلح و اتحاد.
- گودهند، جی. (2000)، ان جی او ها و اعمار صلح در پیچیدگی های سیاسی: یک مطالعه در مورد افغانستان، دانشگاه منچستر و آکسفورد: انتراک.
- گودهند، جی. و دی هالم (1999)، از جنگ به پیچیدگی سیاسی: درک از منازعه و اعمار صلح در جهان جدید نا امنی، گزارش ربوار جهان سوم 20(1): 13 – 26
- گروه بین المللی بحران (2003)، اعمار صلح در افغانستان، گزارش آسیا شماره 64، کابل/ بروکسل: گروه بین المللی بحران.
- گروه بین المللی بحران (2008)، ضرورت برای راه حل بین المللی، گزارش آسیا شماره: 145، کابل بروسل: گروه بین المللی بحران.
- ماس، سی. (2006)، مصالحه ملی در افغانستان، تاریخ منازعه و تحقیق روش افغانی، مجتمع بین المللی آسیا 37(2-1): 3-35.
- انستیتیوت انکشافی نظارتی، گروپ پالیسی بشری (2003)، قدرت، معیشت و منازعه: مطالعات در مورد تحلیل های اقتصاد سیاسی برای عمل بشری، لندن: انستیتیوت انکشافی نظارتی.
- آکسفام (2006)، آکسفام جی بی پروگرام کنیا: آکسفورد جی بی.
- آکسفام بین المللی (2008) الویت های انکشافی و بشری افغانستان: کابل
- روبین، بی. (2006)، اعمار صلح و دولت سازی در افغانستان: ساختن حاکمیت برای امنیت؟، گزارش ربوار جهان سوم 27(1): 85-175.
- بنیاد انکشافی سنایی (2007)، فعالیت های اعمار صلح، کابل: بنیاد انکشافی سنایی.

سورکی، ای. که برگ هارم فیکین، ای نودین، ای. افستاد، و ای استرنند (2003)، درس های اعمار صلح برای افغانستان، گزارش آر 2002: 9، برجین: مایکل سن انستیتیوت.

سلیمان، ام. و دی کوپنال (2006)، ارزیابی برنامه های اعمار صلح در فراه و بادغیس، زون غربی افغانستان، کابل: بنیاد انکشافی سنایی.

سلیمان، ام و اس. ولیامس (2003)، استراتژی و ساختار برای جلوگیری از منازعه: مطالعه ای در ولسوالی جاغوری، در افغانستان در تحت کنترول طالبان، کامبریج، ام ای: سی دی ای، پروژه های آموزشی.

نماینده گی سویس برای انکشاف و هماهنگی & انستیتیوت مطالعه های انکشافی (2006)، مشارکت شهروندان، منازعه و حکومتداری محلی، اس دی سی / آی دی سی ورکشاپ مشارکت برای حل منازعات در سطح محلات، گزارش ورکشاپ، دانشگاه سوسکس.

دفتر هماهنگی قبایل (2006)، راهکار دفتر هماهنگی قبایل: کابل: دفتر هماهنگی قبایل.

تروسیر (2004)، حساسیت منازعه و اعمار صلح در انکشاف: تحلیل مفاهیم، نظری و عملی، مینوت: تروسیر.

یو این دی پی (2004)، گزارش انکشاف بشری افغانستان، نیو یارک: یو این دی پی.

یو این اچ سی آر (2004)، افغانستان: ابتکارات همزیستی، جنیوا: یو این اچ سی آر.

وجکو و سکا، ای. (2006)، تطبیق عدالت: نظام عدالت غیر رسمی چطور می تواند کمک کرد، نیو یارک: ایو این دی پی.

## یادداشت ها

- 1 گزارش دو ساله بورد نظارت و هماهنگی (2006)، تطبیق توافقنامه افغانستان، صفحه 25
- 2 جی، گودهند و دی هالم (1999)، صفحه 17
- 3 گروه بین المللی بحران (2003).
- 4 انستیتوت انکشافی جهانی، گروه پالیسی بشری (2003)
- 5 آکسفام بین المللی سال 2008 پیشنهادات آکسفام برای تغییر پالیسی در ساحات مختلف
- 6 دی، رودی (2007)، پولیس های افغان مثل طالبان راحت هستند، گرفته شده از نیویارک تایمز، 26 آگست
- 7 بنیاد آسیایی (2007)، صفحه 27. (این سروی شامل مصاحبه با 2263 نفر در 34 ولایت افغانستان می شود)
- 8 صفحه 28. (فی صدی دقیق از مصونیت خود و یا فامیل خود نگران هستند 49 در صد است)
- 9 به تعداد 274 مرد و 226 زن مصاحبه شدند: 242 پاسخ دهنده در روستاها زنده گی داشتند، 163 نفر در شهر و نیمه شهر ها زنده گی داشتند، سن متوسط 36 بوده، صرف بیشتر از نصف پاسخ دهنده گان کار می کردند و مزد اوسط ماهوار شان 1050 افغانی بوده (\$21).
- 10 ملل متحد (2007)، نقشه برنامه دسترسی، این نقشه ها بطور دوامدار نشر میگردد تا سطح دسترسی را به نقاط مختلف کشور معلوم نماید. این به اساس ارزیابی و با در نظر داشت فاکتور های مختلف تهیه میگردد، مثل ثبات سیاسی، خشونت های جنایتکاران و یا گروه های مسلح غیر قانونی و فعالیت های شورشی ها و نیرو های امنیتی.
- 11 پنججو دو و 20 سروی ولایات دایکندی و قندهار انجام یافته است.
- 12 سی ماس، (2006) صفحه 25
- 13 ارقام دقیق را می تواند در ضمیمه پیدا کرد
- 14 کمیسیون مستقل حقوق بشر (2006)، حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، صفحه 16. ای با بیشتر 8000 نفر در 29 ولایت صورت گرفته است.
- 15 بنیاد آسیایی (2007) صفحه 72، بنیاد آسیایی (2006)، صفحه 58 (سروی سال 2006 شامل مصاحبه با 6226 نفر در 32 ولایت می باشد)
- 16 دلیل این مغلق است، لیکن یکی از فاکتور های مهم این است که در جامعه افغانی زنان به شکل سنتی مثل عزت خانواده ها می باشد.
- 17 یو این اچ سی آر، (2007)، افغانستان در یک نگاه، جی نیوا.
- 18 گودهند (200) و سورکی (2003) را ببینید.
- 19 ام. سلیمان و دی. کوپنال 2006، صفحه 25.
- 20 یو این دی پی، (2007) صفحه 58
- 21 گروه بین المللی بحران سال (2003)
- 22 یو این دی پی، (2007) صفحه 58.
- 23 گروه بین المللی بحران (2003)
- 24 گروه بین المللی بحران (2003)
- 25 نماینده گی سیاسی ملل متحد در افغانستان (2007)، معلومات ولایتی دایکندی، صفحه 12
- 26 اقتصاد دان، 2008 مختلط بودن اقوام در افغانستان- در تاریکی، 31 جنوری
- 27 آبیید
- 28 ارقام دقیق را می توانید از ضمیمه دریافت نمایند.

- 29 ارقام دقیق را می‌توانید از ضمیمه پیدا کرد.
- 30 یو این دی پی، (2007)، صفحه 8
- 31 آبیید، صفحه 8
- 32 آبیید، صفحه 74
- 33 بنیاد آسیایی (2007)، ص، 66.
- 34 کمیسیون مستقل حقوق بشر، ص، 17. مشابه با سروی بنیاد آسیایی، 40 فی صد مردم گفته اند که محاکم رسمی درست عدالت را (ص. 60) مراعات نمی‌کنند.
- 35 دولت افغانستان (2005)، عدالت برای همه: تحلیل جامع از ضرورت‌ها: چالش‌ها و راه‌های انکشاف برای سکتور عدلی افغانستان، ص. 14.
- 36 یو این دی پی، (2007) ص. 93-4 سروی کمیسیون یو این دی پی، بیان میدارد که 80 در صد قضایایکه توسط شورا را حل شده نتیجه صلح داشته است. و به 50 در صد قربانیان غرامت پرداخته شده.
- 37 آبیید. ص. 93. مطابق از سروی، 30 در صد منازعه‌هائیکه توسط شورا ها حل شده نتیجه خراب داشته است.
- 38 کمیسیون مستقل حقوق بشر، ص، 16-17
- 39 بنیاد آسیایی (2006)، ص 59
- 40 بنیاد آسیایی، (2007) ص، 71.
- 41 جی. گودهند، ص، 9-10.
- 42 سی ماس، ص، 26.
- 43 ام. سلیمان و دی. کوپنال، ص، 8.
- 44 ام. سلیمان و دی. کوپنال، ص، 11.
- 45 ام. سلیمان و دی. کوپنال، ص، 2.
- 46 آبیید. ص، 2.
- 47 آبیید. ص، 27 و ص 43.
- 48 ام. سلیمان و اس. ویلیامس (2003).
- 49 آبیید. ص، 5-35.
- 50 سازمان صلح و اتحاد (2004)، پلان استراتژیک برای 2004 – 2007، راهکار اعمار صلح: هماهنگی صلح و اتحاد (2005) (ص. 6) درک از صلح و اعمار صلح.
- 51 آبیید. ص، 3. ص. 6.
- 52 دفتر هماهنگی قبایل (2006).
- 53 یو این دی پی آر. (2004)
- 54 از وابستگی به انکشافی دارد که بتواند وضعیت حقوقی، نقش و مسؤلیت‌های شورا‌های انکشافی را واضح سازد.
- 55 ام. سلیمان و دی. کوپنال. ص 2 و ص 6.
- 56 ام. سلیمان و اس. ویلیامس.
- 57 ای. و جکو وسکا (2006) ، ص 5-6.
- 58 یو این دی پی (2007)، ص 128 – 30.
- 58 گروه بین 58 گروه بحران بین المللی سال 2008 استراتژی ملی انکشافی افغانستان – استراتژی سکتور عدلی، جنوری سال 2008 المللی بحران سال 2008
- 59 استراتژی ملی انکشافی افغانستان – استراتژی سکتور عدلی، جنوری سال 2008
- 60 گروه بین المللی بحران سال 2008

---

آکسفام بین المللی ماه فبروری 2008

این گزارش توسط مت والدمن نوشته شده است. این به سلسله گزارش های تحقیقی بخاطر آگاه ساختن بحث های عامه و موضوعات پالیسی انکشافی و بشری نوشته شده است. مت والدمن مشاور بخش پالیسی و دادخواهی آکسفام، مقیم کابل است. او قبلاً در پارلمان انگلند و اروپا منیجمنت مشاور روابط خارجی و دفاعی کار نموده است. او همچنان منیجمنت حقوقدان با شرکت بین المللی حقوقی کار کرده، و منیجمنت معاون دایرکتور در سازمان خیریه بی اطفال انگلند که در اروپایی شرقی و آفریقا فعالیت دارد کار کرده است. او فوق لسانس در رشته حقوق بشر از مکتب اقتصاد لندن فارغ شده است. او در کار های انکشافی در کوزوو، کورواسیا، رومانیای، سیرلیون و هندوستان کار کرده است او از اشخاص ذیل، که در تهیه این گزارش همکاری کرده است تشکر می کند: محمد سلیمان کاکر، الیظابط وینتر، حوریه مصدق، بن فلیپس و مایکل بیلی.

نوشته این گزارش را می توان بطور رایگان برای فعالیت های دادخواهی، کمپاین تعلیمی و تحقیق از اینکه از منابع معتبر تهیه گردیده است استفاده کرد. کسیکه حق چاپ این گزارش را دارد از کسانی که از این گزارش استفاده می کنند در خواست میکند که باید مورد استفاده گزارش با آن بخاطر ارزیابی اثرات مثبت گردد. برای کاپی کردن در کار های دیگر، و یا برای دوباره استفاده کردن به سایر نشریات، یا ترجمه و یا هم گرفتن متن باید اجازه اخذ گردد و ممکن فیس چارج گردد. ایمل:

[publish@oxfam.org.uk](mailto:publish@oxfam.org.uk)

برای معلومات بیشتر در موضوعات ذکر شده این گزارش می تواند با ایمل پائین در تماس شوید.

[advocacy@oxfaminternational.org](mailto:advocacy@oxfaminternational.org)

معلومات ذکر شده در این نشریه در هنگام فرستادن به مطبوعه صحیح است.



آکسفام بین المللی متشکل از 13 سازمان است که در بیشتر از 100 کشور بخاطر کاهش فقر و بی عدالتی کار میکنند: آکسفام امریکا، آکسفام استرالیا، آکسفام در بلژیم، آکسفام کانادا، آکسفام فرانسه، آکسفام جرمنی، آکسفام برتانیایی کبیر، آکسفام هونگ کونگ، انترمون آکسفام (اسپانیا)، آکسفام ایرلند، آکسفام نیو زیلاند، آکسفام نوبی (نیدر لندس)، و آکسفام کیوبیک. برای معلومات بیشتر لطفا به هر کدام این نماینده گی ها تماس و ایمیل نماید، و یا به این آدرس مراجعه کنید. [www.oxfam.org](http://www.oxfam.org)

<p>آکسفام امریکا 226 Causeway Street, 5th Floor Boston, MA 02114-2206, USA +1 800-77-OXFAM   +1 617-482-1211 E-mail: <a href="mailto:info@oxfamamerica.org">info@oxfamamerica.org</a> <a href="http://www.oxfamamerica.org">www.oxfamamerica.org</a></p>	<p>آکسفام هونگ کونگ 17/fl., China United Centre, 28 Marble Road, North Point, Hong Kong Tel: +852.2520.2525 E-mail: <a href="mailto:info@oxfam.org.hk">info@oxfam.org.hk</a> <a href="http://www.oxfam.org.hk">www.oxfam.org.hk</a></p>
<p>آکسفام استرالیا 156 George St., Fitzroy, Victoria 3065, Australia Tel: +61.3.9289.9444 E-mail: <a href="mailto:enquire@oxfam.org.au">enquire@oxfam.org.au</a> <a href="http://www.oxfam.org.au">www.oxfam.org.au</a></p>	<p>آکسفام انترمون (اسپانیا) Roger de Llúria 15, 08010, Barcelona, Spain Tel: +34.902.330.331 E-mail: <a href="mailto:info@intermonoxfam.org">info@intermonoxfam.org</a> <a href="http://www.intermonoxfam.org">www.intermonoxfam.org</a></p>
<p>آکسفام در بلژیم Rue des Quatre Vents 60, 1080 Brussels, Belgium Tel: +32.2.501.6700 E-mail: <a href="mailto:oxfamsol@oxfamsol.be">oxfamsol@oxfamsol.be</a> <a href="http://www.oxfamsol.be">www.oxfamsol.be</a></p>	<p>آکسفام ایرلند Dublin Office, 9 Burgh Quay, Dublin 2, Ireland Tel: +353.1.672.7662 Belfast Office, 115 North St, Belfast BT1 1ND, UK Tel: +44.28.9023.0220 E-mail: <a href="mailto:communications@oxfamireland.org">communications@oxfamireland.org</a> <a href="http://www.oxfamireland.org">www.oxfamireland.org</a></p>
<p>آکسفام کانادا 250 City Centre Ave, Suite 400, Ottawa, Ontario, K1R 6K7, Canada Tel: +1.613.237.5236 E-mail: <a href="mailto:info@oxfam.ca">info@oxfam.ca</a> <a href="http://www.oxfam.ca">www.oxfam.ca</a></p>	<p>آکسفام نیو زیلاند PO Box 68357, Auckland 1032, New Zealand Tel: +64.9.355.6500 (Toll-free 0800 400 666) E-mail: <a href="mailto:oxfam@oxfam.org.nz">oxfam@oxfam.org.nz</a> <a href="http://www.oxfam.org.nz">www.oxfam.org.nz</a></p>
<p>آکسفام فرانسه 104 rue Oberkampf, 75011 Paris, France Tel: + 33 1 56 98 24 40. E-mail: <a href="mailto:info@oxfamfrance.org">info@oxfamfrance.org</a> <a href="http://www.oxfamfrance.org">www.oxfamfrance.org</a></p>	<p>آکسفام نوبی (نیدر لندس) Mauritskade 9, Postbus 30919, 2500 GX, The Hague, The Netherlands Tel: +31.70.342.1621 E-mail: <a href="mailto:info@oxfamnovib.nl">info@oxfamnovib.nl</a> <a href="http://www.oxfamnovib.nl">www.oxfamnovib.nl</a></p>
<p>آکسفام جرمنی Greifswalder Str. 33a, 10405 Berlin, Germany Tel: +49.30.428.50621 E-mail: <a href="mailto:info@oxfam.de">info@oxfam.de</a> <a href="http://www.oxfam.de">www.oxfam.de</a></p>	<p>آکسفام کیوبیک 2330 rue Notre Dame Ouest, bureau 200, Montréal, Quebec, H3J 2Y2, Canada Tel: +1.514.937.1614 E-mail: <a href="mailto:info@oxfam.qc.ca">info@oxfam.qc.ca</a>; <a href="http://www.oxfam.qc.ca">www.oxfam.qc.ca</a></p>
<p>آکسفام برتانیایی کبیر Oxfam House, John Smith Drive, Cowley, Oxford, OX4 2JY, UK Tel: +44 (0)1865.473727 E-mail: <a href="mailto:enquiries@oxfam.org.uk">enquiries@oxfam.org.uk</a>; <a href="http://www.oxfam.org.uk">www.oxfam.org.uk</a></p>	

سکرتریت آکسفام بین المللی:

Suite 20, 266 Banbury Road, Oxford, OX2 7DL, UK

Tel: +44.(0)1865.339100. Email: [information@oxfaminternational.org](mailto:information@oxfaminternational.org). Web site: [www.oxfam.org](http://www.oxfam.org)

دفتر دادخواهی آکسفام بین المللی

E-mail: [advocacy@oxfaminternational.org](mailto:advocacy@oxfaminternational.org)

Washington: 1100 15th St., NW, Ste. 600, Washington, DC 20005-1759, USA

---

Tel: +1.202.496.1170.

**Brussels:** 22 rue de Commerce, 1000 Brussels, Belgium

Tel: +322.502.0391.

**Geneva:** 15 rue des Savoises, 1205 Geneva, Switzerland

Tel: +41.22.321.2371.

**New York:** 355 Lexington Avenue, 3rd Floor, New York, NY 10017, USA

Tel: +1.212.687.2091.

**Linked Oxfam organizations.** The following organizations are linked to Oxfam International:

**Oxfam Japan** Maruko bldg. 2F, 1-20-6, Higashi-Ueno, Taito-ku, Tokyo 110-0015, Japan

Tel: + 81.3.3834.1556. E-mail: [info@oxfam.jp](mailto:info@oxfam.jp) Web site: [www.oxfam.jp](http://www.oxfam.jp)

**Oxfam India** B55, First Floor, Shivalik, New Delhi, 1100-17, India

Tel: + 91.11.26693 763. E-mail: [info@oxfamint.org.in](mailto:info@oxfamint.org.in) Web site: [www.oxfamint.org.in](http://www.oxfamint.org.in)

**Oxfam observer member.** The following organization is currently an observer member of Oxfam International, working towards possible full affiliation:

**Fundación Rostros y Voces (México)** Alabama No. 105 (esquina con Missouri), Col. Nápoles, C.P. 03810 México, D.F.

Tel/Fax: + 52 55 687 3002. E-mail: [comunicacion@rostrosyvoces.org](mailto:comunicacion@rostrosyvoces.org) Web site: [www.rostrosyvoces.org](http://www.rostrosyvoces.org)